

اندیشه دو ، ۱۴۰۳-۱۴۰۲ ، ترم دوم

بخش اول : مفاهیم کلی دین

مقدمه : فیلسوفان، متکلمان، مورخان، روانشناسان و جامعه شناسان هر کدام از منظری، دین را تعریف کرده اند از اینرو تعریف ها و اصطلاح های مختلفی درباره دین وجود دارد به گونه ای که نمی توان تعریف جامع و کاملی از دین ارائه داد. برای داشتن تصویری روشن از دین باید به کاربردهای این واژه توجه کرد که در قسمت اول این نوشتار تحت عنوان مفاهیم کلی دین به آن می پردازیم.

الف . دین فطری : پایبندی به ارزش های انسانی (فضیلت های اخلاقی) مثل: صداقت، شجاعت ، عفت و حیا ، برابری و مساوات ، تعاون ، ایثار و از خود گذشتگی ، انصاف و چشم پوشی و گذشت ، احترام به حقوق دیگران ، خیرخواهی ، نوع دوستی ، تواضع ، وفای به عهد، نظم و قانون مندی ، اخلاق باور (آزاد اندیشی، حقیقت باوری) سخنی از شهید مطهری در مورد دین فطری:

« اخلاق انسانی مثل: عدالت ، احسان ، جود و غیره مرتبه ای از خداپرستی است. چون نوعی خداگونه بودن است خدا متصف به این امورات و توصیه دین این است که « تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ اللَّهِ » پس اهتمام و التزام و توجه به اینها ، اهتمام به خداپرستی و دینداری است حتی اگر در ظاهر اعتقاد به خدا نداشته باشد که در این صورت می شود خدا پرستی ناخودآگاه. از این رو است که بر اساس معارف اسلامی ، دارندگان اخلاق فاضله هر چند مشرک باشند اگر کفر و شرکشان از روی عناد نباشد به نوعی در جهان دیگر مأجورند در حقیقت ، اینگونه افراد بدون اینکه خود آگاه باشند به درجه ای از خداپرستی رسیده اند. » « وحی و نبوت، ص ۳۰ »

ب . دین رسمی : اعتقاد و پایبندی به آموزه های هریک از ادیان مثل دین اسلام ، دین مسیحیت ، دین یهود ، بودیسم (بودایی) ، هندوئیسم و غیره.

نکته اول : رابطه دین فطری و دین رسمی. دین فطری زمینه تأثیرگذاری مثبت دین رسمی (مثل اسلام) است. یعنی فرد یا جامعه به هم میزان در دین فطری (اخلاق انسانی) رشد یافته با شد، دین رسمی برای او مفیدتر خواهد بود و به هر اندازه از ارزش های انسانی به دور باشد ، دین رسمی، خسارت بار و باعث بدبختی و انحطاط و قتل و خشونت خواهد بود. چنانکه قرآن در آیه ۲۶ سوره بقره به مناسبت بیان برخی از تعالیم وحیانی می فرماید:

« (این سخنان خدا) باعث گمراهی بسیاری و باعث هدایت بسیاری می گردد » و در ادامه چنین می گوید: « تنها فاسقان (بدکاران) به واسطه آموزه های دینی گمراه می شوند». چنانکه مولانا در دفتر سوم مثنوی می گوید:

زانک از قرآن بسی گمراه شدند زان رسن قومی درون چه شدند
مر رسن را نیست جرمی ای عنود چون تو را سودای سربالا نبود

در مقابل ، اگر فرد و یا جامعه رشد یافته و دارای روحيات و خلیات انسانی باشد در این حالت به هر موضوعی از دین نظر کند فهم درستی از آن پیدا خواهد کرد و چون تربیت انسانی دارد حقوق دیگر انسان ها برای او اهمیت داشته در نتیجه عدالت ، برابری ، نوع دوستی ، خیرخواهی ، مدارا و دیگر فضیلت های اخلاقی برای او ارزش خواهد داشت. دین برای چنین جامعه ای مثل بارانی است که بر زمین مساعد و حاصل خیزی می بارد و موجب رشد و شکوفایی آن می شود چنانکه سعدی می فرماید :

« باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره بوم خس »

« سعدی، گلستان، باب اول در سیرت پادشاهان »

به دیگر بیان ، دین ، انسان خوب را خوب تر و انسان بد را بدتر می کند. اگر انسان خوب باشد و متدین شود خوب تر میشود و اگر انسان بد باشد و متدین شود بدتر می شود. بنابراین در جامعه سالم، دین سالم و در جامعه بیمار دین بیمار خواهیم داشت چنانکه در جامعه سالم، دانشگاه سالم و اقتصاد سالم و بانگداری سالم و در جامعه بیمار، دانشگاه بیمار، اقتصاد بیمار و بانگداری بیمار خواهیم داشت.

نکته دوم: محور بودن آموزه های اخلاقی در دین رسمی. مهم ترین بخش آموزه های دینی، آموزه های اخلاقی است چنانکه پیامبر اسلام ص می فرماید: «من فقط برای تکمیل فضائل اخلاقی مبعوث شدم» این نشان می دهد که هدف دین ، اعتلای ارزش های اخلاقی و حاکمیت نظام اخلاقی است بدین معنا که هدف دین ، معنویت و اخلاق و ساختن انسان معنوی است. هدف دین این است که از طریق اعتقاد به آموزه های نظری و التزام به آموزه های عملی ، یک سری صفات و خصلت های درونی و رفتاری در فرد ایجاد شود که معنویت و حضور خدا را در زندگی احساس کند. بنابر این توجه به آموزه های اعتقادی و التزام به احکام دینی ، باید زمینه رشد ارزش های انسانی باشد و در غیر این صورت نتیجه و منظور اصلی دین تحقق نیافته است.

لایه های دین رسمی :

گفتنی است که دین رسمی ، لایه های گوناگون و متنوع دارد که به هر یک از آنها واژه دین اطلاق می گردد. هر لایه ای از دین، ویژگی ها و خصلت های خاص خود را دارد که در آمیختن آنها موجب بدفهمی و کج فهمی در موضوعات دینی خواهد شد. از اینرو برای اینکه تصور روشنی از دین و موضوعات دینی داشته باشیم لازم است این لایه ها را مورد بررسی قرار دهیم. توجه به این نکته لازم است که موضوعات این بخش هرچند شامل همه ادیان رسمی می شود ولی همخوانی بیشتری با ادیان الهی و ابراهیمی دارد.

لایه اول: متون دینی. مجموعه آموزه های دینی (اعتقادی، رفتاری و اخلاقی) که در متون مقدس مثل قرآن و سنت موجود است و به آن دین (مثلا اسلام) گفته می شود. در ادیان الهی اعتقاد بر این است که این معارف منشأ وحیانی دارند.

گفتنی است که منظور از سنت در دین اسلام ، سخن و رفتار شخصیت های مقدس اسلام یعنی حضرت محمد ص و امامان شیعه (از نگاه شیعه) و نیز حضرت محمد ص و همه اصحاب او (از نگاه اهل سنت) است که در کتاب های روایی و کتاب های تاریخی ثبت و ضبط گردیده و منظور از سنت در دین مسیحیت ، سخن و رفتار شخصیت های مقدس دین مسیحیت مثل حضرت مسیح ع و حواریون و بزرگان آن دین است که در کتاب مقدس ثبت و ضبط شده است.

رفتار شخصیت های مقدس یعنی عملکرد بزرگان دین در تاریخ آن دین ثبت شده است مثل جنگ های پیامبر ، رفتار پیامبر در برابر پیروان دیگر ادیان ، تشکیل حکومت در مدینه ، واکنش پیامبر در برابر پوشش و حجاب زن ها در مدینه و عملکرد پیامبر در موضوع جانشینی پس از خود ، و یا رفتار امام حسین ع در برابر قدرت ظالم (یزید) و نهضت عاشورا.

لایه دوم: معرفت دینی. دومین لایه از دین رسمی که واژه دین یا واژه اسلام به آن اطلاق می شود فهم و برداشتی است که انسان از متون دینی (قرآن و سنت) و در نتیجه از موضوعات دینی پیدا می کند. مثلا تفسیر و برداشتی که مسلمانان از آیه ۵۹ احزاب در مورد حجاب شرعی دارند و نیز تحلیل و برداشتی که از رفتار پیامبر در برابر نوع پوشش

۱- «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» مجلسی ، بحار الانوار ، بی تا : ج ۱۶ ص ۲۱۰

و حجاب زنان مدینه دارند در نتیجه این تحلیل، تفسیر و برداشتی از موضوع لزوم و یا عدم لزوم حجاب قانونی در اسلام پیدا می‌کنند. و یا تفسیر و برداشتی که مسلمانان از جنگ‌های پیامبر پیدا کرده و در نتیجه تفسیر و خوانشی از موضوع جهاد در اسلام پیدا می‌کنند و یا تفسیر و برداشتی که از اقدام پیامبر به تشکیل حکومت در مدینه داشته و در نتیجه تفسیر و برداشتی از لزوم و یا عدم لزوم تشکیل حکومت اسلامی در جامعه اسلامی پیدا می‌کنند و نیز تفسیر و برداشتی که مسلمانان و از جمله شیعیان از نهضت عاشورا پیدا کرده و در نتیجه دیدگاهی درباره لزوم و یا عدم لزوم جهاد حداکثری یعنی مواجهه و درگیر شدن با قدرت‌های ظالم تحت هر شرایطی پیدا می‌کنند. همچنین دیدگاه امامت، دیدگاه خلافت، وجوب یا عدم وجوب نماز جمعه و حکم عید فطر نمونه‌هایی از معرفت دینی یعنی برداشت‌های دینی محسوب می‌شوند.

لازم به ذکر است که برداشت‌های مختلف و به تعبیری قرائت‌های مختلف از قرآن و سنت بر اساس پیش فرض‌ها و مبانی مختلف صورت می‌گیرد. به عنوان مثال اگر کسی در حوزه اعتقادات دینی استدلال عقلی را به عنوان یک قاعده در فهم دین قبول داشته باشد و از طریق استدلال عقلی به این نتیجه رسیده باشد که خدا جسم نیست و کالبد جسمانی ندارد. بر اساس این مبنا واژه «ید» (به معنای دست) را در آیه ۱۰ سوره فتح «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» را به معنای دست جسمانی و عضوی از بدن معنا نمی‌کند که نتیجه بگیرد خداوند دست و بدن دارد (چنانکه برخی آیه را اینچنین معنی کرده‌اند) بلکه «ید» را به قدرت معنا می‌کند بدین معنا که قدرت خدا برتر از همه قدرت‌ها است. همچنین در آیات اجتماعی قرآن اگر کسی اصل عدالت را به عنوان یک قاعده قبول داشته باشد چنانکه حضرت امیر (ع) در اهمیت این اصل می‌فرماید: «عدالت ترازوی خدای سبحان است که در مخلوقات خود قرار داده و آن را برای اقامه حق نصب نموده، پس در میزان الهی با او مخالفت ننما»

در این صورت تفسیر و برداشت‌های او از آیات اجتماعی قرآن متفاوت از کسی است که این اصل را به عنوان یک قاعده قبول ندارد.^۳

گونه‌های چهارگانه معرفت دینی: الف. سطحی (عوامانه) ب. احساسی تجربی (معرفت عرفانی) ج. فکری معرفتی د. تجربی معرفتی (ترکیب ب و ج)

معرفت عوامانه نه بر اساس داوری و فهم آگاهانه فرد بلکه نتیجه تأثیر پذیری و تقلید از دیگران است. در این معرفت، استدلال و گفتگو کم‌تر دیده می‌شود. آنچه در این نوع معرفت رایج است تعصب و جزم اندیشی است. **معرفت احساسی تجربی** حاصل تجربه‌های درونی و عرفانی است مثل شخصی که تحت تأثیر سلوک عرفانی به شهود درونی نسبت به خدا و عالم ملکوت و در نتیجه معرفت نسبت به آن می‌رسد. در این گونه از معرفت دینی تأکید بر باطن متون دینی و بیان مقصود آن به رمز و اشاره است. محی‌الدین بن عربی (۵۶۰-۶۳۸ هـ ق) از حامیان این نگرش است. **فکری معرفتی** آن است که انسان با استدلال و تحلیل‌های فکری و روشمند به یک فهمی از دین برسد مثل فهمی که یک فیلسوفی مثل فارابی (۲۹۵-۳۳۹ هـ ق) و یا ابن‌سینا (۳۷۰-۴۲۸ هـ ق) نسبت به خدا به عنوان یک اعتقاد دینی پیدا می‌کند در این نوع معرفت دینی امکان گفتگو و در نتیجه تغییر فکر و اعتقاد وجود دارد. و اما **تجربی معرفتی** آمیزه‌ای از روش عقلی (فلسفی) و روش شهودی (عرفانی) است مثل حکمت صدرایی (حکمت متعالیه) در فلسفه اسلامی که بنیانگذار آن صدرالمتألهین (۹۷۹-۱۰۵۰ هـ ق) است.

۲- آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ۱۹۸۶، ج ۱: ۲۱۸

۳- در این زمینه رجوع شود به مطهری، مرتضی (۱۹۸۲) بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات حکمت

امکان خطا در معرفت دینی: امکان خطا در همه گونه های معرفت دینی حتی فکری معرفتی وجود دارد زیرا قوای ادراکی انسان محدود است در نتیجه فهم انسان در همه موضوعات شامل موضوعات طبیعی، انسانی و دینی می تواند درست و یا نادرست باشد هرچند روش ها و دقت های لازم را به کار رفته باشد که در اینصورت ضریب احتمال خطا کاهش پیدا می کند ولی هرگز به صفر نمی رسد. اختلاف فهم ها و اختلاف فتواها مثل اختلاف برداشت امام خمینی و آیت الله خویی در لزوم تشکیل حکومت دینی شاهد بر این مدعا است بدین معنا که یکی درست و دیگری نادرست است. بنابراین نباید تصور کرد که چون آیه قرآن و حدیث پیامبر و امام منشأ وحیانی دارد و در نتیجه حق و حقیقت است پس برداشت و تفسیر انسان از آیه قرآن و حدیث پیامبر و امام، حق و حقیقت است که در اینصورت به نوعی مغالطه به نام « مغالطه همسان پنداری » گرفتار شده ایم.

مغالطه همسان پنداری (مغالطه به تمثیل) : یعنی دو امری که شباهتی با یکدیگر دارند ولی دقیقاً عین هم نیستند، یکی پنداشته و ویژگی های یکی به دیگری تعمیم داده شود. مثل یکی دانستن «کره مریخ» با «کره زمین» و اینکه نتیجه بگیریم کره مریخ دارای حیات است. **مغالطه همسان پنداری در معرفت دینی** یعنی همسان پنداری معرفت دینی (برداشت های دینی) با متون دینی (وحی ، سخن خدا) بدین معنا که تصور کنیم برداشت من از دین مساوی است با دین که همان وحی و سخن خدا است و همانطور که سخن خدا عین حق است، فهم و تفسیر من هم عین حق بوده و فهم و تفسیر و سخن دیگران ، عین باطل است.

معیار ارزیابی معرفت دینی در دین اسلام

چنانکه گفتیم در معرفت دینی امکان و احتمال خطا و اشتباه وجود دارد. برای کاهش ضریب خطا محققین و پژوهشگران دین به معیارها و سنجه هایی دست یافته اند که در صورت توجه به آن معیارها احتمال خطا در فهم دینی به طور چشمگیری کاهش پیدا می کند. مهم ترین این معیارها عبارتند از :

۱- رعایت قواعد تفسیر. برای شناخت درست آیه های قرآن توجه به قواعد تفسیر لازم و ضروری است. از جمله این قواعد می توان به این موارد اشاره کرد : « شناخت دقیق معنای واژه ها » ، « شناخت قواعد زبان عربی » ، « توجه به قرینه های لفظی » و « توجه به قرینه های غیر لفظی ». یکی از مهم ترین این قواعد، توجه به تصریح های قرآن (نصوصات قرآنی) است. بیان های صریح قرآن هم خود، آشکار و واضح اند و هم موجب وضوح و آشکار شدن عبارت های دیگر می شوند از این رو چنانکه خواهد آمد قرینه و علامت معنایی برای آیه های دیگر حساب می شوند عنوان مثال در موضوع برتری نژادی و قومی و یا برتری در جنسیت (زن و مرد) قرآن در آیه ۱۳ از سوره حجرات با تأکید و تصریح چنین برتری هایی را رد کرده می فرماید :

« ای مردم به درستی که ما شما را زن و مرد خلق کردیم و شما را به صورت نژادها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید ، قطعاً و حتماً گرامی ترین شما نزد خداوند ، پرهیزکارترین شماست»^۴

بنابراین هر فهمی از آیه و حدیث و یا واقعه تاریخ دینی که القاء کننده تبعیض قومی و نژادی و یا تبعیض درجنسیت بین زن و مرد باشد بر اساس صریح این آیه ، فهمی نادرست از دین محسوب خواهد شد.

۲- بررسی استنادی و محتوایی حدیث (روایت). پیش از این آمد که سنت پس از قرآن مهم ترین لایه دین رسمی مثل اسلام است و منظور از سنت در دین اسلام ، سخن و رفتار شخصیت های مقدس دین اسلام مثل حضرت

۴- « يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعْرِفُوا أَنْتُمْ لِلَّهِ تَائِبُونَ »

محمد ص و امامان ع (از نگاه شیعه) و نیز حضرت محمد ص و همه صحابه پیامبر (از نگاه اهل سنت) است که در کتاب های روایی و کتاب های تاریخی ثبت و ضبط گردیده است.

باید توجه داشت که سنت به صورت حدیث (روایت) در کتاب های حدیثی به دست ما رسیده است. مهم ترین کتاب های حدیثی در مکتب تشیع چهار کتاب (کتب اربعه) به نام های: « الکافی » محمد بن یعقوب کلینی، ف ۳۲۸ ه ق ؛ « من لایحضره الفقیه » شیخ صدوق، ف ۳۸۱ ه ق ؛ « الاستبصار » و « تهذیب الاحکام » شیخ طوسی، ف ۳۸۵ ه ق است. و مهم ترین کتاب های حدیثی در بین اهل سنت شش کتاب (صحاح سته) است که عبارتند از « جامع السنن » محمد بن اسماعیل بخاری، ۲۵۶ ه ق ؛ « جامع السنن » ابن ماجه قزوینی ف ۲۷۳ ه ق ؛ « جامع السنن » ابو داوود سجستانی، ف ۲۷۵ ه ق ؛ « جامع السنن » محمد بن عیسی ترمذی، ۲۷۹ ه ق ؛ « جامع السنن » احمد نسایی ۳۰۳ ه ق ؛ « جامع السنن » مسلم بن حجاج نیشابوری، ف ۲۶۱ ه ق؛ توجه به تاریخ حیات مؤلفین کتاب های حدیثی نشان می دهد که همه این کتاب ها از قرن سوم به بعد جمع آوری و تألیف شده اند.

باید توجه داشت که در حقیقت حدیث (روایت) گزارش سنت است و مثل هر گزارشی ممکن مستند و درست باشد و نیز به دلایل مختلفی امکان دارد غیر مستند و نادرست باشد یعنی در واقع پیامبر و امام چنین سخنی نگفته اند و یا چنین رفتاری را انجام نداده اند. از اینرو حدیث (روایت) به شرطی حجت و دلیل شرعی است که مستند باشد یعنی انتسابش به پیامبر و امام ثابت شده باشد. علم رجال و علم درایه از جمله دانش هایی است که درباره استناد احادیث تحقیق می کند.

پس از بررسی استنادی حدیث نوبت به بررسی محتوایی می رسد. یعنی بررسی معنای دقیق حدیث. در اینجا قواعد تفسیر یعنی « شناخت دقیق معنای واژه ها » ، « شناخت قواعد زبان عربی » ، « توجه به قرینه های لفظی » مثل تصریحات قرآنی و روایی و نیز « توجه به قرینه های غیر لفظی » مثل زمینه و زمانه صدور حدیث راه گشا خواهد بود.

۳- همنوایی با عقل سلیم (شهود عقلی)

از آنجا که انسان پیش از روی آوردن به دین ، دارای دریافت های معتبر عقلی (بدیهیات عقلی) است بنابراین ، عقل داور استنباط ها و برداشت های درست دینی است. بدین معنا که هر جا که فهم و استنباطی از دین ، در تضاد با عقل سلیم یعنی عقل بدیهی و روشن که نوع انسان ها بر آن اتفاق نظر دارند باشد نشانه آن است که آن فهم و استنباط ، نادرست است یعنی از دین نیست بلکه یا در دوره ای به دین اضافه شده و یا از اوهام و خرافاتی است که به دین نسبت داده می شود. از این رو در مکتب امامیه قاعده ای وجود دارد به نام قاعده ملازمه میان حکم عقل و حکم شرع به این صورت که « هر چه عقل به آن حکم کند شرع هم به آن حکم می کند » یعنی آن را تأیید می کند.

به عنوان مثال عقل سلیم نمی پذیرد که نظر دین خدا این باشد که زنان به طور کلی شر و بد باشند چنانکه به حضرت علی نسبت داده شده^۷ و یا اینکه نظر دین این باشد که خانم ها ایمانشان و فهم و شعورشان ناقص است چنانکه در حدیثی به آن حضرت نسبت داده شده. افزون بر اینکه چنین سخنانی در تضاد با صریح قرآن در آیه پیش گفته در سوره حجرات است که تأکید می کند تنها ملاک برتری ، پرهیزکاری است نه چیز دیگر. همچنین اگر این سخن درست باشد شخصیت حضرت فاطمه ص و حضرت زینب و بسیاری از زنان بزرگ تاریخ اسلام زیر سؤال خواهد بود چنانکه اگر این نظر درست باشد فهم و تشخیص حضرت فاطمه در ولایت حضرت علی ع و اصرار و تأکید بر این امر تشخیصی

۵- گفتنی است که مؤلفین کتب اربعه شیعه و صحاح سته اهل سنت تماماً ایرانی الاصل هستند که در قرون اولیه اقدام به جمع آوری سنت اسلامی کرده اند.

۶- « کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع »

۷- « المرأه شرُّ کلِّها و شرُّ ما فیها اَنَّهُ لا یبدُّ منها » نهج البلاغه، حکمت ۲۳۸

اشتباه خواهد بود. بنابراین چنین حدیث‌هایی نیاز به بررسی استنادی و محتوایی دارند تا مشخص شود که آیا واقعا امام ع چنین سخنی را گفته است یا نه؟ (بررسی استنادی) و اگر گفته معنی دقیق از این عبارت چیست؟ (بررسی محتوایی).

۴- همنوایی با وجدان اخلاقی

انسان فارغ از دین واجد دریافت‌های اخلاقی یعنی وجدان اخلاقی است که بر اساس آن می‌تواند درستی و نادرستی بسیاری از امور عملی را تشخیص دهد و پیامبر الهی در این جمله که: «من مبعوث شدم که فقط ارزش‌های اخلاقی را تکمیل کنم»^۸ رسالت خود را پرورش و تکمیل اخلاق انسانی معرفی کرده است و در این راستا در مواضع متعددی از متون دینی ارزش‌های اخلاقی مثل: عقلانیت، حق‌باوری، صداقت، شجاعت، برابری، نوع‌دوستی و خیرخواهی را در صدر تعالیم دینی قرار داده است. این بدان معناست که در معرفت دینی، هر برداشت و هر فهمی از دین که خلاف موازین اخلاقی باشد فهمی غیر دینی محسوب خواهد شد. چنانکه قرآن می‌فرماید: «(حتی) دشمنی گروهی با شما باعث نگردد که رفتاری غیر عادلانه نسبت به آنها داشته باشید»^۹ از اینرو مبارزه ناجوانمردانه از آن جهت که غیر اخلاقی است، امری خلاف دین محسوب می‌شود.

۵- هماهنگی با دستاوردهای قطعی علم در حوزه گزاره‌های طبیعی دین

به طور کلی رسالت دین انسان‌سازی است چنانکه قرآن در آیه‌های آغازین قرآن کریم می‌فرماید: «این کتاب که شک و تردیدی در آن نیست کتاب هدایت است برای پرهیزکاران»^{۱۰} قرآن کتاب طبیعیات نیست که پدیده‌های طبیعی و علمی را با تمام جزئیاتش مورد بررسی قرار داده باشد بلکه تحقیق و بررسی آن را به خرد و اندیشه آدمیان سپرده است. پرداختن قرآن به موضوعات طبیعی از جمله اجرام آسمانی و دیگر پدیده‌های طبیعی در حد اشاره و بیان کلیات و به منظور درس‌خداشناسی و انسان‌شناسی است نه بررسی علمی و دقیق آن. حال اگر در متون حدیثی در یک موضوع علمی مثل درمان یک بیماری و یا خواص دارویی گیاهی اظهار نظر و توصیه‌ای صورت گرفته نظر درست فقهی این است که در این موارد به متخصص در دانش طب توجه شود به ویژه وقتی دانش پزشکی خلاف آن را ثابت کرده است. زیرا بر فرض صحت استناد و تعیین درست محتوای آن، باید توجه داشت که چنین احادیثی مربوط به اقتضائات آن زمان و متناسب با اقلیم و مزاج خاص و سبک زندگی و سبک تغذیه در آن دوره است و قابل تعمیم به زمان‌ها و دوره‌های بعد نیست.^{۱۱}

لایه سوم: دینداری، رفتار و عمل دین‌دار بر اساس برداشت از متون دینی.

سومین لایه از یک دین رسمی که واژه دین و یا واژه اسلام به آن گفته می‌شود، کنش‌ها و رفتارهایی است که پیروان دین تحت عنوان احکام دینی انجام می‌دهند که گاهی به آن دیانت، رفتار دینی، شعائر، آئین و مناسک دینی و یا پدیدارهای دینی هم گفته می‌شود. در حقیقت، رفتارهای دینی همان احکام شرعی برگرفته از آموزه‌های عملی دین هستند مثل نماز به عنوان یک حکم شرعی برگرفته از آیه: «نماز بپادارید و زکات بدهید و با خدا پرستان پرستش کنید»^{۱۲} بقره، ۴۳.

گونه‌های چهارگانه دینداری:

۸- مجلسی، بحار الانوار، بی تا: ج ۱۶ ص ۲۱۰

۹- «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ اَنْ لَا تَعْدِلُوْا» مانده، ۸

۱۰- بقره، ۲

۱۱- برای توضیح بیشتر رجوع شود به مقاله علمی پژوهشی «تبارشناسی روایات طبی»، علی نصیری

۱۲- «وَأَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّٰكِعِيْنَ»

الف. سطحی ب. احساسی - تجربی ج. فکری - معرفتی د. تجربی معرفتی (ترکیب ب و ج)

هم تراز با هر سطحی از معرفت دینی، سطحی از دینداری شکل می گیرد. در **دینداری سطحی** که به آن، دینداری عوامانه، تعبدی و معیشتی هم گفته می شود، رفتارهای دینی مثل نماز و روزه و دیگر مناسک و شعائر، بر اساس معرفت عوامانه صورت می گیرد یعنی این دینداری یک انتخاب آگاهانه نیست که دیندار بر اساس آگاهی و شناخت یا تجربه درونی تحصیل کرده باشد بلکه یک عادت کورکورانه است که تحت تأثیر تقلید و القاپذیری از دیگران انجام می شود و جزم اندیشی و تعصب در آن وجود دارد و در **دینداری احساسی - تجربی**، شخص دیندار با انجام اعمال دینی مثل نماز و روزه تجربه و حس خوبی به او دست می دهد یعنی بر اساس سطح دوم معرفت دینی. در نتیجه یک انتخاب آگاهانه بر اساس احساس درونی است. همچنین در **دینداری فکری - معرفتی**، دینداری یک انتخاب آگاهانه بر اساس منطق و استدلال است به طوری که امکان گفتگو و در نتیجه تغییر موضع فکری و اعتقادی وجود دارد. و در نوع چهارم یعنی **دینداری تجربی معرفتی** که منطقی ترین و مفیدترین نوع دینداری و بر اساس سطح چهارم معرفت دینی است هم تجربه مثبت و هم منطق و استدلال و هم انتخاب وجود دارد.

تنوع کاربرد واژه دین: چنانکه اشاره شد به هر یک از دین فطری و دین رسمی و نیز هر یک از لایه های دین رسمی، واژه دین، مثلاً اسلام به کار برده می شود. گاهی و به ویژه در کلام بزرگان دین یعنی پیامبر و امام به ارزش های اخلاقی و انسانی دین گفته می شود. زمانی در سخن عالمان و متدینان، اسلام به معنای متون دینی به کار برده می شود آنجا که گفته می شود: « در اسلام آمده است که » در اینجا مراد از اسلام یعنی متون دینی اسلام یعنی لایه اول دین رسمی. مثلاً جمله ای از قرآن یا حدیث و یا کنش و رفتاری از پیامبر یا امام که در تاریخ ثبت شده است. نکته مهم در اینجا این است که اگر چنین جمله ای در قرآن باشد و یا پیامبر یا امام چنین حدیثی را گفته باشد و یا چنین رفتاری داشته است نمی توان گفت که آن سخن و یا آن رفتار نادرست است زیرا در ادیان الهی اعتقاد بر این است سخن و رفتار پیامبر و امام، منشأ وحیانی دارد.

ولی گاهی گفته می شود: « در اسلام آمده » در اینجا مراد از اسلام می تواند برداشت و فهم از قرآن و حدیث و تاریخ اسلام باشد یعنی در برداشت های اسلامی و به تعبیری فتوای اسلامی و یا فتوای فقهی که در اصطلاح به آن معرفت دینی و یا فهم دینی گفته می شود یعنی لایه دوم دین رسمی. نکته مهم در اینجا این است که این برداشت ممکن است درست باشد یعنی شخص درست فهمیده باشد و ممکن است نادرست باشد یعنی نادرست فهمیده باشد.

همچنین گاهی گفته می شود اسلام و منظور مناسک و شعائر است که مسلمانان انجام می دهند. برخی از این مناسک در قرآن و حدیث آمده (مناسک اولیه) و برخی در قرآن و حدیث نیامده (مناسک ثانویه) بلکه دینداران به تشخیص خود و به انگیزه های متعدد آن را به نام دین و اسلام انجام می دهند. در جامعه دینی ما کم تر کسی ارزش های اخلاقی (اولین معنای دین) را دین تلقی می کند در حالی که متولیان دین یعنی پیامبر و امام بر دین بودن آن تأکید داشته اند. بلکه بر خلاف متون دینی مناسک ثانویه به عنوان اصل و اساس دین شناخته می شود.

بخش دوم: ادیان ابراهیمی

الف. دسته بندی ادیان رسمی: «ادیان آریایی»، «ادیان ابراهیمی»، «ادیان چینی»، «ادیان ابتدایی»

۱- آریایی: به ادیانی گفته می شود که مهد و جایگاه اصلی آن قوم آریایی بوده است. این قوم حدود ۳۰۰۰ سال پیش به فلات ایران کوچ کردند. خاستگاه اصلی آنان سیبری بوده و سپس به قزاقستان و بعد به ایران و شمال هند مهاجرت کرده اند. گستره جغرافیایی این ادیان اروپا، ایران و هندوستان بوده است. دین هایی مثل زردشت، هندوئیسم، بودیسم، آیین جین و بسیاری از ادیانی که در هندوستان رایج اند و یا در هند باستان و ایران باستان بوده اند ولی منقرض شده اند در این دسته قرار دارند. یکی از ادیان مهم این دسته، بودیسم است. آیین بودا چهارمین دین جهان است که بیش از ۵۰۰ میلیون پیرو دارد. بودا از شاهزادگان ایرانی تبار قرن ۵ پیش از میلاد است که در یک تحول فکری به سلوک عرفانی روی می آورد و اندیشه هایی را که عمدتاً ناظر به بهترین شیوه زندگی همراه با آرامش است به پیروان خود عرضه می کند. در این دین به چهار امر به عنوان چهار حقیقت توجه داده می شود که عبارتند از: چِستی رنج (رنج چیست؟)، خاستگاه رنج (منشأ رنج چیست؟)، روش کاهش رنج (چگونه زندگی کنیم که کمترین رنج را داشته باشیم؟) و شادی درون و تحمل رنج روزگار.

۲- ادیان ابراهیمی (ادیان سامی): ادیانی هستند که مهد و جایگاه آن قوم حضرت ابراهیم است و گستره جغرافیایی آن در اصل، حوزه مدیترانه و سرزمین فلسطین بوده و سپس در مناطق دیگر گسترش پیدا کرده است. دین هایی مثل اسلام، مسیحیت، یهودیت، مندایی (صابئین) در این دسته قرار دارند. این ادیان به اعتبار اینکه در یک سیر تاریخی به حضرت ابراهیم و پیش از او به سام فرزند نوح برمی گردد، ادیان ابراهیمی و یا ادیان سامی گفته می شود.

گفتنی است که همه این ادیان در کنار اعتقاد به معاد خدا محور و وحی محور هستند از این رو گفته می شود که روح ادیان ابراهیمی توجه و تسلیم در برابر خدا بوده و دقیقاً واژه «اسلام» به معنای تسلیم در مورد آنها به کار برده می شود.^{۱۳} به رغم همگرایی ادیان ابراهیمی، ادیان آریایی بسیار متنوع هستند برخی مثل دین زردشت به محوریت خدا و وحی و اعتقاد به معاد تنظیم شده و شباهت فراوانی با ادیان ابراهیمی دارد و برخی مثل بودیسم جهان را مخلوق خدا نمی داند و نیز اعتقاد به وحی و معاد ندارد. از اینرو فاصله زیادی با ادیان ابراهیمی دارد. به نظر می رسد این تنوع، ناشی از روحيات و خلیقات قوم آریایی است.

۳- ادیان چینی: در کشورهایی مثل چین، ژاپن، و ویتنام دین هایی مثل کنفوسیوس، تائوئیسم (دائوئیسم، آیین دائو)، شینتوئیسم رایج است که غالباً تعالیمی در سبک زندگی است. امروزه سه آیین تائوئیسم، بودیسم و کنفوسیوس در کنار هم و با اثر بخشی از یکدیگر بینش مطلوبی را در کنار مدرنیته به مردم چین القا کرده است. ناگفته نماند که در کنار این آیین ها، دین مسیحیت در کشور چین طرفداران قابل توجهی دارد.

از مهمترین آیین ها کنفوسیوس است که دین رسمی چین باستان بوده و هم اکنون از آیین های رایج در این کشور محسوب می گردد. کنفوسیوس فیلسوف و معلم چین باستان (۴۷۹-۵۵۱ BC) بود، دین کنفوسیوس خالی از مناسک و شعائر بوده و بیشتر مکتب فکری و رفتاری است که درباره اخلاق انسانی و روش زندگی (انسان کامل) و اصول شهرپاری سخن می گوید. فلسفه کنفوسیوس در ۲۵ قرن گذشته سبک زندگی مردم چین را تحت تأثیر قرار داده است.

اصول پنج گانه آیین کنفوسیوس که در اصل صفات پنج گانه انسان کامل در دین کنفوسیوس است عبارتند از: عزت نفس، همت بلند، خلوص نیت، شوق به عمل (در مقابل رؤیا پردازی)، خوش رفتاری.

۱۳- در لغت، واژه اسلام گاهی در معنای وصفی به معنای تسلیم در برابر حق و گاهی در معنای اسمی به معنای آیین حضرت محمد ص به کار برده می شود.

خلوص نیت بدین معنا است که انسان باید تمنای یک چیز داشته باشد. زندگی چنان نیست که بتوان به همه خواسته ها رسید. در زندگی، همه چیز قابل جمع نیست، علم، ثروت، مقام، احترام و آرامش، قابل جمع نیست. یکی از عوامل اضراب، نادیده گرفتن این اصل است یعنی توقع و انتظار رسیدن به همه آرزوها.

۲- **ادیان ابتدایی**: ادیان ابتدایی ادیانی هستند که در میان انسان هایی که زندگی ابتدایی داشته و به دور از تمدن و فرهنگ های رایج در جهان امروز بسر می برند. بومیان استرالیا، قبایل آفریقایی، قبایل سرخ پوست امریکا و اسکیموهای قطب شمال، جغرافیای ادیان ابتدایی است. عناصر اعتقادی مشترک در ادیان ابتدایی عبارتند از: اعتقاد به « مانا»، « سحر و جادو»، « فتیش»، « توتم»، « آنیمیسیم»، « اسطوره»، « قربانی».

ب. تاریخ ادیان ابراهیمی

مقدمه: انواع تاریخ نگاری: ۱. مورخانه (علمی، آکادمیک) ۲. دینی (الهیاتی) ۳. فرهنگی

تاریخ نگاری مورخانه بر اساس اسناد و مدارک تاریخی مثل: دست نوشته ها، سنگ نوشته ها و سنگواره ها صورت می گیرد. این تاریخ نگاری بیشتر واقعی و آبجکتیو است یعنی سعی می کند تاریخ را بر اساس واقعیت های رخ داده و از منظر اسناد تاریخی گزارش کند. متخصصین علم تاریخ، یکسری اصول و قواعدی را مطرح می کنند که اگر رعایت شود به مقدار قابل توجهی خطاهایی مثلا تأثیر انگیزه ها و اعتقادات شخصی بر گزارش های تاریخی کاهش می یابد و یا خواننده، متوجه چنین خطاهایی می شود. کتاب «تاریخ تمدن» ویل دورانت و کتاب «اطلس تاریخی ایران» و «سیره رسول الله» عباس زریاب خوبی از این نمونه هستند. **تاریخ نگاری دینی** نوعی تاریخ نگاری است که بر اساس باورها و اعتقادات یک دین و نیز بر اساس نقل قول هایی که برای مؤمنین به آن دین معتبر است شکل می گیرد. البته دیگر بیان، تاریخ نگاری دینی عبارت است از تاریخ نگاری از منظر یک دین خاص. مثلا از منظر دین اسلام یا دین مسیحیت و یا دین یهود و یا بر اساس نگرش شیعه مثل کتاب «منتهی الآمال»، «شیخ عباس قمی. **تاریخ نگاری فرهنگی** تاریخ نگاری است که بر اساس فرهنگ یک کشور صورت می گیرد. هر فرهنگی برای خود یک هویتی قائل است و از منظر خود، تاریخ خود و نیز تاریخ دیگر فرهنگ ها را گزارش می کند. مثل کتاب «تاریخ سری مغولان». نکته مهم اینکه هم تاریخ دینی و هم تاریخ فرهنگی، بیشتر ذهنی و سابجکتیو است. همچنین از نظر تاریخ علمی، تاریخ دینی و تاریخ نگاری فرهنگی از آن جهت که بر اساس اسناد و مدارک نیست اعتباری ندارند و در مقابل، تاریخ نگاری دینی تا جایی گزارش های علم تاریخ را قبول می کند که با مبانی اعتقادی آن دین در تعارض نباشد.

بر این اساس، در پرسش هایی مثل اینکه چرا همه پیامبران در منطقه خاورمیانه بوده اند؟ گویا پرسش گر فرض را بر این گرفته که اسناد و مدارک تاریخی (تاریخ علمی) درباره جزئیات زندگی همه پیامبران و از جمله محل زندگی آنان گزارش دقیق دارد درحالیکه اینطور نیست. از جنبه تاریخ نگاری علمی درباره پیامبر اسلام گزارش نسبی وجود دارد و هرچه به عقب می رویم گزارش های مبتنی بر اسناد و مدارک کم تر و کم تر می شود. گزارش های تاریخی در موضوعاتی اینچنین عمدتا بر اساس تاریخ نگاری دینی است.

دین یهود

۱۴- به عنوان مثال، بر اساس نقل قول های معتبر برای مسلمانان حضرت عیسی ع کتاب آسمانی داشته است در حالی که بر اساس نقل قول های معتبر برای مسیحیان، حضرت عیسی ع کتاب آسمانی نداشته است. و یا از منظر مسیحیان و یهودیان، حضرت ابراهیم فرزند خود اسحق (از همسر دیگرش ساره) را به قربانگاه برد و یا اینکه حضرت ابراهیم اصلا به مکه نرفت تا در آنجا کعبه را بنا کند در حالی که مسلمانان این گزارش را قبول ندارند.

یهودیت عنوان دین حضرت موسی ع است که بنا بر گزارش های تاریخ نگاری دینی حیاتش بر اساس متون دینی در ۱۳ تا ۱۵ قرن پیش از میلاد بوده. او از نوادگان یعقوب بود که در کنعان (فلسطین) زندگی می کرد و لقبش اسرائیل^{۱۵} بود. بیشترین پیامبری که نام او در قرآن آمده حضرت موسی ع است به طوری که در ۱۳۶ مورد از آیات قرآن سرگذشت و وقایع زندگی او به تصویر کشیده شده است. حضرت ابراهیم دو فرزند یکی اسماعیل از همسرش هاجر و دیگری اسحاق از همسر دیگرش ساره. پس از چندین نسل از فرزندان اسماعیل نهایتاً به پیامبر اسلام حضرت محمد ص می رسیدیم.

اسحاق فرزندی به نام یعقوب داشت و یعقوب ۱۲ فرزند پسر داشت که هر یک از آنها طایفه ای شکل گرفت که به بنی اسرائیل معروفند و حضرت موسی از یک طایفه و حضرت عیسی از طایفه ای دیگر است. دین یهود که یک دین قومی است مخصوص قوم بنی اسرائیل است و یهودیان در طول تاریخ از همین طایفه بوده و هستند. بنی اسرائیل همه به دین یهوداند حتی حضرت عیسی خود را یک یهودی واقعی می دانست و هدف خود را اصلاح دین حضرت موسی ع می دانست همانطور که پیامبر اسلام هم رسالت خود را اصلاح و تکمیل آیین پیامبران ابراهیمی می دانست. گفتنی است که صهیونیسم جنبش سیاسی و ملی گرای یهودی است که اواخر قرن ۱۹ با هدف تشکیل میهن و حکومتی برای یهودیان شکل گرفت. این نام برگرفته از کلمه «صهیون» نام کوه مقدسی در اورشلیم (بیت المقدس) و زادگاه و آرامگاه حضرت داوود پیامبر و جایگاه حضرت سلیمان است. همچنین این کوه نماد آرمان و آرزوهای ملت یهود است.

اعتقادات دین یهود: اعتقاد به خدا؛ اعتقاد به غیرمادی بودن خدا؛ اعتقاد به توحید؛ اعتقاد به علم خدا؛ اعتقاد به نبوت؛ اعتقاد به رستاخیز مردگان؛ اعتقاد به آمدن مسیحی موعود.

شایان توجه اینک همه این اعتقادات بنیادین در دین یهود مشترک با دین اسلام است ولی چنانکه خواهد آمد با اعتقادات دین مسیحیت فاصله زیادی دارد. یهودیان کتاب آسمانی خود را تنخ می نامند که همان عهد عتیق است. همچنین روز خروج مسیحیان از مصر به سوی کنعان در فلسطین را که روز شنبه بوده تحت عنوان عید پسخ (Passover) گرامی می دارند و بر اساس ده فرمان حضرت موسی روز تعطیل هفته است. شهر اورشلیم (بیت المقدس) قبله یهودیان است. کفرقه های دین یهود عبارتند از فریسیان، صدوقیان، قارئون.

دین مسیحیت

حضرت مسیح (ع) پیامبر دین مسیحیت از شهر ناصره فلسطین بود و در میان قوم یهود به نشر تعالیم و حیانی پرداخت. او که یک روحانی یهودی بود هم تعالیم و سخنانش و هم منش و رفتارش با دیگر روحانیان که عمدتاً دنیا طلب و طالب قدرت بودند متفاوت بود از این رو به رغم گرایش قلبی مردم ولی تحت تأثیر فضا سازی آنها جز عده اندکی به او ایمان نیاوردند و سرانجام با تحریک و دسیسه آنان نزد پیلاتوس حاکم روم، سربازان رومی در روز پنج شنبه ای او را دستگیر و محاکمه کرده و در روز جمعه و پس از رنج ها و مصیبت های زیاد بر فراز تپه ای او را به صلیب کشیده و اعدام کردند.^{۱۶} بنا بر روایت انجیل ها عیسی پس از سه روز و در روز یکشنبه دوباره زنده شد و از گور بیرون آمد

۱۵- واژه «اسرائیل» ترکیب دو واژه «اسرا» به معنی «چیره شونده» و یا «بنده» و واژه «ئیل» به معنی «خدا» است. بنابراین یا به معنی «بنده خدا» و یا «چیره شونده بر خدا» است. معنای دوم برگرفته از آیه ای از عهد عتیق است که تفسیر و تأویل های خاص خود را دارد.

۱۶- همچنین این شهر مقدس ترین شهر مسیحیان و یکی از سه شهر مقدس مسلمانان پس از مکه و مدینه است.

۱۷- بنا به روایت مسلمانان و بر اساس بیان قرآن، حضرت مسیح کشته نشد بلکه خدا او را به آسمان برد.

مسیحیان از این رویداد به‌عنوان رستاخیز مسیح یاد می‌کنند.^{۱۸} او چهل روز در میان حواریون بود تا اینکه در برابر چشم آنان به معراج رفت.

در تاریخ مسیحیت دو نقطه عطف وجود دارد یکی ایمان آوردن شائول بود. او که یک یهودی دشمن حضرت عیسی بود در سالی که عیسی کشته شد از گذشته خود پشیمان و به دین مسیحیت ایمان آورده و اندک مسیحیان را مورد حمایت قرار داد. او که نام خود را به پولس تغییر داد به نشر و ترویج تعالیم دین مسیحیت پرداخت. دومین نقطه عطف دین مسیحیت در سال ۳۲۴ م رخ داد. در این سال کُنستانتین امپراتور بزرگ روم به دین مسیحیت ایمان آورد. کُنستانتین دین مسیحیت را آیین رسمی امپراتوری روم اعلام کرد و به روحانیون مسیحی قدرت داد.

اعتقادات دین مسیحیت: تعالیم حضرت عیسی که توسط خود آن حضرت تعلیم داده می شد بیشتر آموزه های اخلاقی بود ولی بعدها به ویژه توسط پولس مقدس و همچنین در زمان کُنستانتین در بین مسیحیان اعتقادات خاصی درباره مسیح و مسیحیت رواج پیدا کرد که این اعتقادات فاصله زیادی با اعتقادات دین یهود و نیز دین اسلام (که قرن ها بعد ظهور کرد) داشت. به هر حال مهم ترین اعتقادات دین مسیحیت که امروزه هم رواج دارد عبارتند از: *اعتقاد به تجسد خدا؛ اعتقاد به الهویت حضرت عیسی؛ اعتقاد به تثلیث (الهویت موجودات سه گانه یعنی خدای پدر (God) خدای پسر (عیسی) و روح القدس)؛ اعتقاد به لزوم ایمان بدون علم (ایمان معصومانه)؛ اعتقاد به کافی بودن ایمان بدون عمل (ایمان بسندگی).*

لزوم ایمان بدون علم: در مسیحیت باور به این است که ایمان صرفاً جنبه تعبّدی دارد. با فکر و معرفت نمی توان به ایمان رسید زیرا مقولات ایمانی مثل خدا، عالم ملکوت، وحی، حیات پس از مرگ اموری هستند که فکر و عقل نمی تواند آن را درک کند. تنها راه ایمان این است که تسلیم باشیم همانطور که حضرت ابراهیم در برابر دستور خدا به قربانی کردن فرزندش تسلیم شد هرچند آن را خلاف عقل و خلاف اخلاق می دید. ابراهیم نتیجه تسلیم بودنش را دید و آن معجزه الهی بود که هنگام قربانی کردن با آن مواجه شد. ما باید تسلیم باشیم تا پس از آن تجربه های معنوی (تجربه های دینی) در زندگی دریافت کنیم چنانکه در انجیل لوقا آمده: « هرکس ملکوت را مثل یک طفل نپذیرد داخل آن نخواهد شد». این جمله از ترتولیانوس از بزرگان مسیحی در قرن دوم میلادی که می گوید: « باور می کنم چون نامعقول است » تأکیدی روشن بر این مطلب است.

امروزه این رویکرد تحت عنوان فیدئیسیم (ایمان گرایی) توسط فیلسوفانی مثل ویتکنشتاین و پل تیلیش مورد قبول قرار گرفته است. فیدئیسیم رویکردی است که باورهای دینی را قابل ارزیابی دینی نمی داند و هرگونه تلاش عقلانی برای اثبات یا ردّ این اعتقادات را بی فایده و بی نتیجه می داند.

بر خلاف الهیات مسیحی، در الهیات اسلامی قائل به تلازم میان معرفت و ایمان هستند بدین معنا که تا به چیزی علم و معرفت حاصل نشود ایمان به آن چیز تحقق پیدا نخواهد کرد.^{۱۹}

ایمان بسندگی: ایمان بسندگی یا کافی بودن ایمان بدون عمل بدین معنا است که عمل انسان در اصل رستگاری او پس از مرگ تأثیری ندارد بلکه تنها ایمان است که باعث می شود انسان پس از مرگ رستگار و اهل بهشت باشد هرچند در این دنیا مرتکب گناه شده و توبه نکرده باشد. پرهیز از گناه و یا توبه پس از انجام گناه هرچند پسندیده و مطلوب است ولی نه در اصل رستگاری بلکه در درجات رستگاری تأثیر دارد. پولس مقدس در نامه به رومیان به بی ثمر بودن خوب و بد اعمال در دستیابی به رستگاری و نجات تصریح و بر حذف شریعت تأکید می کند. « عهد جدید، نامه پولس به مسیحیان

۱۸- مسیحیان در یک یکشنبه در سال بین ۲۲ مارس (۲ فروردین) تا ۲۵ آوریل (۵ اردیبهشت) رستاخیز مسیح را تحت عنوان « عید پاک » به کلیسا رفته و به دعا و عبادت مشغول می شوند.

۱۹- برای توضیح بیشتر رجوع شود به کتاب « زبان دین و قرآن »، ابوالفضل ساجدی، ص ۱۸۶ (بررسی دیدگاه تیلیش)

روم ، باب ۵» و نیز در نامه به افسسیان می گوید: « اکنون که مسیح آمده دیگر نیازی به احکام و شریعت نداریم بلکه همگی ما در اثر ایمان به عیسی جزئی از وجود مسیح شده ایم » نامه به افسسیان، باب ۲

پیش فرض ها و مبانی اعتقاد به ایمان بسندگی عبارتند از : ۱- اعتقاد به « گناه اصلی، گناه نخستین » (original sin) یعنی عصیانی که حضرت آدم مرتکب شد. مسیحیان بر این باورند که تحت تأثیر این امر است که میل به گناه با طبیعت انسان آمیخته شده بدین معنا که انسان اراده معطوف به گناه دارد. ۲- اعتقاد به بخشنده بودن خدا. اینکه خداوند غفار یعنی بسیار بخشنده است و ظهور و تجلی این صفت الهی در بخشایش گناهان است. ۳- اعتقاد به قربانی شدن عیسی (فدیه) اینکه عیسی خود را قربانی نجات انسان کرد. ۴- اینکه هر که به مسیح ایمان آورد جزئی از وجود و طینت حضرت عیسی شده (بر اساس سخن پیش گفته پولس مقدس).

در میان شخصیت های فرهنگ و ادب فارسی، شواهد زیادی وجود دارد که خواجه حافظ شیرازی به رغم اینکه به تصریح خودش مسلمان و معتقد به قرآن است ولی در این موضوع تحت تأثیر اعتقادات مسیحیت است. حافظ در اشاره به مبنای شماره یک می فرماید:

پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت ناخلف باشم اگر من به جویی نفروشم

و یا :

جایی که برق عصیان بر آدم صفی زد ما را چگونه زبید دعوی بی گناهی
همچنین در اشاره به مبنای شماره دو چنین می گوید:

هاتفی از گوشه میخانه دوش گفت ببخشند گنه می بنوش
عفو الهی بکند کار خویش مژده رحمت برساند سروش

از نظر حافظ جانمایه دین و دینداری حقیقی، محبت و عشق ورزی است :

نشان مرد خدا عاشقی است، باخود دار که در مشایخ شهر این نشان نمی بینم

توجه به این نکته لازم است که در نگاه رایج اسلامی، توأم بودن عمل با ایمان امری روشن و بدیهی است زیرا ایمان یعنی دلدادگی که شدت وضعف آن به میزان همسویی کنش ها و رفتارهای شخص بستگی دارد.

کتاب مقدس :

کتاب مقدس مسیحیان (bible) مجموعه نوشته ها یی درباره سرگذشت ، شرح حال ، سخنان پیامبر و سخنان حواریون است که سال ها پس از پیامبر توسط مسیحیان غیر حواری و به زبان یونانی نوشته شده است و در یک تقسیم بندی کلی به دو بخش عهد قدیم و عهد جدید تقسیم می گردد. عهد قدیم که یهودیان به آن تَنَخ می گویند ۱۷ کتاب شامل کتاب تورات به معنی شریعت^{۲۰} (اسفار خمسه)^{۲۱} کتاب انبیاء (چندین کتاب درباره پیامبران بنی اسرائیل) و مکتوبات.

اعتقاد یهودیان و مسیحیان بر آن است که اسفار خمسه آموزه های وحیانی است که خود موسی ع نوشته است ولی چنانکه خواهد آمد تحقیقات علمی خلاف آن را ثابت می کند. عهد جدید ۲۷ کتاب است که مسیحیان به کتاب مقدس (عهد قدیم) افزوده اند شامل انجیل های چهار گانه: انجیل متیو(متی) ، انجیل مارک (مرقس) ، انجیل لوک(لوقا) و انجیل جان(یوحنا). قسمت های دیگر کتاب مقدس عبارتند از : اعمال رسولان (مبلغان) ، نامه ها ، مکاشفات است.

۲۰- صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم

۲۱- صفی یعنی برگزیده ، برگزیده خدا ، صفی الله

۲۲- به اعتبار اینکه مسیحیان و یهودیان اعتقاد دارند که کتاب تورات را حضرت موسی نوشته است به آن شریعت موسی می گویند.

۲۳- شامل سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد و سفر تثنیه. سفر به معنی صحیفه و نوشته است.

هم عهد جدید و هم عهد قدیم مورد اعتقاد مسیحیان است ولی یهودیان فقط تعالیم عهد قدیم را قبول دارند. عیسی و تعالیم عیسی را که در عهد جدید آمده همه را بدعت در دین می دانند.

گفتنی است که حواریون عیسی چنانکه خود عیسی گفته بود او را همان دادگر موعود در دین یهود می دانستند. از این جهت لقب « ماشیح » یعنی مسیح شده و تدهین شده را به او گفته می شد. افزون بر آن، لقب ایونجیل evangel به معنی بشارت را به او دادند که در عربی انجیل تلفظ می شود. به هر حال، بنا به تاریخ نگاری مسیحیت، عیسی مسیح در ۳۳ سالگی کشته شد در حالی که هیچ چیزی به جز یکسری تعالیم شفاهی که به زبان آرامی^۴ حواریون آموزش داده بود به جای نگذاشت. پس از ملحق شدن شائول (پولس مقدس) به مسیحیت، این دین رواج بیشتری پیدا کرد. سال ها گذشت و روز به روز به تعداد مسیحیان افزوده می شد. تاریخ دین مسیحیت به سال ۷۰ میلادی یعنی حدود چهل سال پس از مرگ عیسی رسید. در این سال یکی از مؤمنین به نام مارک (مرقس) که خود در زمان عیسی نبوده تصمیم می گیرد که آنچه از آموزه های عیسی شنیده بوده به زبان رایج یعنی زبان یونانی نوشته و به لقب حضرت عیسی یعنی ایونجیل evangel (انجیل) نام گذاری کند. چندین سال بعد و با الگو گیری از او، مٹیو (متی) در سال ۸۵ و لوک (لوقا) در سال ۹۰ و یوحنا در سال ۱۱۰ میلادی به انجیل نگاری پرداختند در حالی که هیچکدام از آنها نه حواری بودند و نه زبانشان آرامی بود. نهضت انجیل نگاری توسط مؤمنین غیرحواری تا چندین قرن ادامه داشت تا تعداد آن به ۶۶ انجیل رسید. اوج شکوفایی تاریخ مسیحیت^۵ سال ۳۲۴ میلادی بود که کنستانتین، امپراتور بزرگ روم به دین مسیحیت پیوست و این دین را آیین رسمی حوزه بزرگ امپراتوری خود اعلام کرده و زبان لاتین که زبان رسمی بود به عنوان زبان دین مسیحیت اعلام و همه انجیل های از زبان یونانی به لاتین برگردانده شد. روحانیون مسیحی جایگاه و منزلت رسمی پیدا کرده و کلیسا و کلیسایان پیوندی عمیق با دستگاه حاکمیت پیدا کردند. به دستور امپراتور، شورای کلیسا همه ساله تشکیل و تفسیرهای رسمی و حکومتی از دین اعلام می شد و مخالفت با آن تفسیرها و تصمیم ها به عنوان بدعت محسوب گشته و جرم سنگینی داشت. از جمله این تفسیرها اعتقاد به تجسد خدا؛ اعتقاد به الوهیت حضرت عیسی؛ اعتقاد به تثلیث (الوهیت موجودات سه گانه یعنی خدای پدر (God) خدای پسر (عیسی) و روح القدس بود. آبروس و نستوریوس از جمله روحانیونی بودند که در آن زمان به مخالفت با چنین اعتقادهایی برخاسته و به سرانجام ناگواری کشیده شدند. انجیل نگاری هم همچنان ادامه داشت و تا سال های آخر قرن پنجم تعداد آن به ۶۶ انجیل رسید. در این سال و به دستور پاپ اعظم (پاپ ژیلانیون) انجیل نویسی ممنوع و از بین انجیل های موجود چهار انجیل (متی، مرقس، لوقا و یوحنا) که با اعتقادات رایج در آن زمان همسویی داشت به عنوان انجیل های معتبر (canonic) محسوب شد. و از آنجا که از زمان کنستانتین، زبان لاتین زبان رسمی دین محسوب می شد و نیز معتقد بودند که مردم حق اظهار نظر درباره امورات دینی را ندارند از اینرو ترجمه انجیل ها به زبان های محلی مثل انگلیسی، آلمانی، ایتالیایی و غیره آن که مردم به آن سخن می گفتند بدعت و حرام محسوب شده و مجازات مرگ در پی داشت. در سال های پایانی قرن پانزدهم افرادی مثل جان ویکلیف (۱۳۸۴-۱۳۲۰م) کشیش انگلیسی، ویلیام تیندل (۱۴۸۴-۱۴۹۶م) محقق و کشیش انگلیسی همچنین مارتین لوتر (۱۵۴۶-۱۴۸۳) کشیش آلمانی که هر سه مخالف مرجعیت کلیسا بودند اقدام به ترجمه کتاب مقدس کردند ولی به جز مارتین لوتر که به علت حمایت مردم آلمان جان سالم به در برد بقیه در آتش سوزانده شدند.

۲۴- واژه « عهد » اشاره به آیه ۳۳ باب ۳۱ کتاب ارمیای نبی در تنخ (عهد عتیق) است که خدا با بنی اسرائیل پیمان بر عمل به شریعت (احکام دین) بست. مسیحیان معتقدند که با ظهور عیسی آن پیمان منسوخ شد و خداوند پیمان جدیدی آورد و آن پیمان به ایمان و بشارت به آن است.

۲۵- زبانی که مردم محلی و از جمله حضرت مسیح و حواریون به آن سخن می گفتند.

۲۶- در واقع شروع انحطاط دین مسیحیت بود.

اعتبار تورات : یکی از معروف ترین نقد ها بر مستند بودن تورات توسط اسپینوزا فیلسوف یهودی هلندی در کتاب « رساله ای در الهیات و سیاست » صورت گرفته است. او معتقد است که برای بررسی اعتبار کتاب مقدس باید به شواهد تاریخی آن پرداخت (تاریخ علمی) او بر این باور است که حضرت موسی نوشته هایی داشته است ولی تاریخ علمی نشان می دهد که تورات کنونی سال ها پس از موسی نوشته شده است. پژوهش های صورت گرفته در موضوع سبک شناسی و نیز تاریخ سنجی تورات، استناد آن را زیر سؤال می برد. قرآن کریم شکل گیری تورات فعلی به این صورت می داند :

« گروهی از یهودیان (روحانیون یهود) کتاب آسمانی خود را می خواندند و آن را به میل خود می نوشتند (و در اختیار مردم می گذاشتند) و گروه دوم جز همان تحریف هایی که گروه اول به آنها می گفتند چیزی نمی دانستند » بقره، آیه ۷۸ و ۷۹ . نتیجه اینکه کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید) سال ها پس از پیامبر نوشته شده و چنانکه امروزه باور غالب مسیحیان است نمی توان سخنانی که در این کتاب به موسی ع و عیسی ع و دیگر پیامبران نسبت داده می شود دقیقاً حرف های آنان دانست.^{۲۷}

فرقه های اعتقادی مسیحیت : نسطوریان که مخالفان تثلیث اند و از سال ۳۸۶م به بعد به رهبری کشیش نستوریوس شکل گرفت ؛ رتدکس و کاتولیک که از سال ۱۰۵۴م به بعد بر اثر منازعات اعتقادی ایجاد شدند ؛ پروتستان که با ظهور مارتین لوتر در اواخر قرن پانزدهم و شورش علیه مرجعیت کلیسا پیدا شد.^{۲۸}

مسیحیان و یهودیان عصر پیامبر از منظر قرآن:

ظهور اسلام در اوایل قرن هفتم یعنی سال ۶۰۹ میلادی بود. در این زمان هم یهودیان و هم مسیحیان به اعتقاداتی که پیش از این بیان شد باور داشتند و چنانکه پیش از این آمد اعتقادات یهودیان به اعتقادات اسلام نزدیک بود از اینرو قرآن در آیات فراوانی باورهای مسیحیان را به چالش کشیده و با آن مخالفت می کند. از جمله اینکه در آیه ۷۰ سوره مائده و در ردّ تثلیث می فرماید: « به تحقیق کسانی که می گویند خدا ، سومین از سه تا است کفر می ورزند در حالی که خدایی جز خدای یگانه وجود ندارد » و در آیه ۷۲ این سوره و در ردّ ألوهیت حضرت عیسی چنین آمده است: « به تحقیق کسانی که می گویند که خدا همان مسیح پسر مریم است کفر می ورزند » این در حالی است که چالش اعتقادی با یهودیان کم تر در قرآن دیده می شود.

به رغم مخالفت فکری با مسیحیت، قرآن در آیات متعددی خُلق و خو و رفتار مسیحیان عصر رسالت در برابر اسلام و مسلمانان را تحسین می کند از جمله در این آیه : « هرآینه نزدیک ترین مردمان را نسبت به مسلمانان را کسانی خواهی یافت که می گویند ما نصاری (مسیحی) هستیم. این بدان جهت است که کشیشان و راهبانی که متکبر نیستند در میان آنان هستند» مائده، ۸۲ این درحالی است که به رغم قرابت نسبی فکری با یهودیان، قرآن به شدت خُلق و خو و رفتار یهودیان را نکوهش می کند از جمله در این آیه : « هرآینه یهودیان را دشمن ترین مردمان نسبت به مسلمانان خواهی یافت» مائده، ۸۲ از این شیوه برخورد قرآن می توان نتیجه گرفت که معیار تعامل و همگرایی با دیگر انسان ها خصلت های اخلاقی و ویژگی های رفتاری آنان است نه افکار و اعتقادات آنها.

_____ منابع فصل ادیان ابراهیمی (برای مطالعه)

۲۷- ایونجلیست ها که شاخه ای از پروتستان هستند تنها گروهی هستند که تمام کتاب مقدس را سخنان وحی می دانند.
۲۸- پروتستان فرقه های زیادی دارد از جمله: لوتری ها، کالونی ها، انگلیکن ها مسیحیت انجیلی (اونجلیسم) یونیتارین ها (مخالف تثلیث)، کوپرها (لرزدگان)، مورمون ها، سپاه نجات، شاهدان یهوه (مخالف تثلیث)، آدونتیست ها(منتظران) ، مار به دستان ، علم مسیحی.

۱- دانشنامه ایرانیکا. ۲- آشنایی با ادیان بزرگ، انتشارات سمت، حسین توفیقی. ۳- شناخت مسیحیت، مؤسسه پژوهشی امام خمینی، عباس رسول زاده- جواد باغبانی. ۴- تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، جان بایر ناس. ۵- تاریخ اجمالی ادیان جهان، مسعود جلالی مقدم، انتشارات سخن

دین اسلام

واژه اسلام در لغت به صورت وصفی و به معنی تسلیم شدن است. از نظر قرآن کریم هر دینی که برنامه کلی آن توجه و تسلیم شدن در برابر خدا باشد اسلام نامیده می شود چنانکه می فرماید: « دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است »^۱ آنگاه، ۱۲۵ به گفته قرآن حضرت ابراهیم ع اولین کسی است که چنین آیینی را اسلام و پیروان آن را مسلمان نامید آنجا که از خدا چنین می خواهد: « خدایا ما را نسبت به خودت مسلمان قرار بده »^۲ بقره، ۱۲۸

اما در اصطلاح، واژه اسلام به معنای اسمی به دین حضرت محمد ص گفته می شود. که از مهم ترین ادیان ابراهیمی است که بر محور قرآن و سنت^۳ به عنوان متن و منبع شناخت آن دین تنظیم می شود. در اینجا و به جهت اهمیت قرآن به عنوان مهم ترین و اصلی ترین منبع شناخت دین اسلام به بررسی آن می پردازیم.

قرآن، اصلی ترین منبع شناخت اسلام

محورهای مطالعات قرآن :

۱. اصالت و مستندبودن قرآن که در دانش تاریخ قرآن بدان پرداخته می شود. این همان لایه اول دین است که در بخش اول این نوشتار به آن اشاره شد. ۲. معنا و دلالت قرآن یعنی دومین لایه دین رسمی. مبانی فلسفی آن در دانش فلسفه دین و مبانی تفسیری آن در دانش علوم قرآن بررسی شده و سپس در دانش تفسیر قرآن، معانی و دلالت های عبارت ها و آیه های قرآن روشن می گردد. ۳. اعجاز و خارق العاده بودن قرآن که در دانش علوم قرآن بدان پرداخته می شود.

۱. اصالت و مستندبودن قرآن

تفاوت قرآن با کتاب مقدس از جنبه استنادی و محتوایی: از جنبه استنادی، تفاوت قرآن با کتاب مقدس این است که کتاب مقدس سال ها پس از مسیح پیامبر توسط مسیحیان غیر حواری و به زبان یونانی (نه به زبان پیامبر که زبان آرامی بود) نوشته شده است. در حالی که قرآن در هر سه جهت متفاوت از کتاب مقدس است زیرا اولاً در هنگامه نزول وحی بر پیامبر اسلام و ثانیاً توسط کاتبانی که از اصحاب نزدیک پیامبر بودند و ثالثاً به زبان شخص پیامبر یعنی زبان عربی نگاشته شده است. همچنین تفاوت قرآن با کتاب مقدس از جنبه محتوایی آن است که کتاب مقدس مجموعه آموزه های وحیانی و سخنان مسیح پیامبر و سخنان حواریون است و نیز نامه های حواریون و مسیحیان غیر حواری و نیز رؤیاهای و مکاشفات مؤمنین و شرح حال مسیح و مسیحیان حواری و غیر حواری و به طور کلی مطالبی که به گونه ای مربوط به مسیحیت می شود در حالی که محتوای قرآن صرفاً آموزه های وحیانی است که پیامبر دریافت و املا کرده و کاتبان ثبت کرده اند. سخنان و شرح حال پیامبر، سخنان و شرح حال صحابه پیامبر و دیگر مطالب مربوط به اسلام و مسلمانان هر کدام به طور مجزا در کتاب های مربوطه ثبت و ضبط شده است

۲۹- « وَ مَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ »

۳۰- « رَبَّنَا وَجَعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ »

۳۱- در بخش نخست این نوشتار آمد که منظور از سنت در دین اسلام سلوک گفتاری و رفتاری شخصیت های مقدس دین اسلام یعنی حضرت محمد ص و امامان شیعه (از نگاه شیعه) و نیز حضرت محمد ص همه اصحاب او (از نگاه اهل سنت) است که در کتاب های روایی و کتاب های تاریخی ثبت و ضبط گردیده است.

مهم ترین عوامل مؤثر در اصالت قرآن: ۱. کتابت قرآن (کتابت وحی) توسط کاتبان وحی در عصر نبوی. ۲. به حافظه سپردن آیات قرآن توسط مردم در عصر نبوی و پس از آن. ۳. جمع آوری و مجلد کردن مصحف ها در عصر خلیفه اول. ۴. یکپارچه سازی قرآن در عصر خلیفه سوم.

کتابت قرآن: زبان قرآن عربی است چنانکه در قرآن آمده: «قرآن عربی است بدون اینکه کجی و انحرافی در آن باشد»^{۳۲} اینکه قرآن به زبان عربی است بدان جهت است که هر پیامبری به زبان قوم خود سخن می گفته نه اینکه امتیازی برای زبان عربی و مردم عرب زبان باشد و از آنجا که ظهور پیامبر اسلام در میان مردم عرب زبان بوده و به طور طبیعی به زبان عربی با مردم خویش تکلم می کرده است بنابراین قرآن به زبان عربی نازل گردیده است چنانکه هر پیامبری به زبان قوم خود سخن می گفته است. همچنین آیه های قرآن به صورت نزول تدریجی و گام به گام نازل می شده است. از سوی دیگر، پیامبر ص خواندن و نوشتن نمی دانسته^{۳۳} به منظور حفظ و ثبت آیات قرآن، پیامبر ص افرادی را تحت عنوان کاتبان وحی منصوب کرده بود تا هنگامه نزول وحی، آن را بنویسند.

حضرت علی ع اولین کسی بود که عهده دار کتابت وحی شده بود او چنانکه خود در حدیثی تصریح کرده است از ابتدا تا انتهای قرآن پس از املاء پیامبر نوشته است همچنین ابی بن کعب و زیدبن ثابت از جمله افرادی هستند که پس از املاء پیامبر تمام آیات قرآن را که در آن زمان مصحف نامیده می شد ثبت و ضبط کردند. در تاریخ اسلام بالغ بر شانزده نفر به عنوان کاتبان وحی از آنها یاد شده است. افزون بر افراد ذکر شده کسانی مثل زبیر بن عوام، ابوبکر، عمر و عثمان که برخی همه قرآن و برخی بخش هایی از آن را کتابت کرده اند از جمله کاتبان وحی محسوب می گردند. خط کوفی خطی که با آن قرآن نوشته می شد خطی ابتدایی که نقطه و الف نداشت^{۳۴} از اینرو کلماتی مثل «مالک یوم الدین» چیزی شبیه به «ملک یوم دین» نوشته می شد که «ملک یوم الدین» هم خوانده می شد ولی چنانکه خواهد آمد به حافظه سپردن قرآن کتابت را پشتیبانی می کرد از اینرو مادامی که حفظ قرآن با کتابت همراه بود اشتباهی رخ نمی داد. گفتنی است که کتابت قرآن به طور معمول بر روی پوست حیوانات مثل پوست آهو و گاو انجام می شد.

به حافظه سپردن قرآن: دومین عامل مهم در مستند ماندن قرآن به حافظه سپردن آن توسط مسلمانان بود. پیامبر ص نسبت به قرائت، حفظ و جمع آوری قرآن به عنوان کلام الهی و آخرین کتاب آسمانی سفارش های زیاد داشت و مسلمانان آن را محور و اساس دین خود و به حافظه سپردن و قرائت آن را از وظایف روزمره خود در نماز، دعا، عبادات و نیز محفل های قرآنی می دانستند. وظیفه اصلی در این بخش به عهده توده مردم بود به طوری که آنان قرآن را با تمام جزئیاتش حفظ و ضبط کردند که برخی وقایع تاریخی گواه بر این است.^{۳۵} از اینرو از نظر بزرگان دین مثل امام صادق ع معیار اصلی در صحت استناد قرائت در واژه های نادری مثل: «مالک یوم الدین» و «ملک یوم الدین» که یکسان نوشته می شد آن است که مورد اتفاق همه حافظان قرآن باشد. به حافظه سپردن قرآن توسط جمع کثیری از مسلمانان و استمرار آن در طول زمان به عنوان یک عامل پشتیبان و تکمیل کننده کتابت، تأثیر شگرفی در مستند ماندن قرآن داشت.

۳۲- «قرآناً عربياً غیر ذی عوج» زمر، ۲۸

۳۳- «و ما أرسلنا من سول الا بلسان قومه» ابراهیم، ۴

۳۴- گفتنی است که قرآن این موضوع را برنامه ای از پیش تعیین شده دانسته خطاب به پیامبر می فرماید «تو کتابی نخواندی و چیزی ننوشتی چون در اینصورت منکران (رسالت در وحیانی بودن این آموزه ها) شک و تردید می کردند» عنکبوت، ۴۸

۳۵- لازم به ذکر است که نقطه و الف و همچنین اعراب و حرکت (برای غیر عرب ها) در سال ۶۹ هجری و در زمان عبدالملک مروان توسط دو تن از ادیبان ابداع شد.

۳۶- (ر.ک، ابن اثیر، النهایه، ج ۵، ص ۷)

جمع آوری و مجلد کردن مصحف ها: علی ع نخستین کسی بود که پس از وفات پیامبر ص و طبق وصیت او به جمع آوری قرآن مشغول شد. پس از او زید بن ثابت (از کاتبان وحی) به دستور ابوبکر قرآن را جمع آوری و در مجلدی از چرم قرار داد.

یکپارچه سازی قرآن :

چنانکه پیش از این آمد مُصَحَف ها به خط کوفی نوشته می شد خطی ابتدایی، بدون نقطه و بدون الف. در قرائت درست عبارت ها و واژه های قرآن تکیه اصلی بر حفظ و به خاطر سپردن آن بود تا نوشته شده عبارت ها از اینرو مادامی که افراد بیشماری همه و یا بخش های زیادی از قرآن را از حفظ داشتند واژه ها همانطور خوانده می شد که پیامبر قرائت کرده بودند. در زمان خلیفه دوم مصحف ها به بلاد تازه مسلمان فرستاده شد جایی که به قدر کافی حافظان قرآن وجود نداشتند از اینرو گاهی واژه هایی مثل « ملک یوم الدین » که تلفظ الف داشت بدون الف یعنی « ملک یوم الدین » خوانده می شد. عثمان برای جلوگیری از اختلاف قرائت در مصحف هایی که به شهرها و مناطق اسلامی فرستاده شده بود پس از مشورت با صحابه و تشکیل کمیته ای اقدام به جمع آوری و انتقال همه آنها به مدینه کرد. در مرحله دوم، مصحف های کاملی که در زمان حیات پیامبر ص نوشته شده بود مبنا قرار گرفت و با حضور حافظان کل قرآن به عنوان شاهد یک مصحف کامل که در عصر پیامبر به عنوان قرآن واحد برای همه مسلمانان تهیه و تکثیر شد. گفتنی است که این مصحف با آنچه نزد حضرت علی ع بود مقابله و تطبیق داده شد به طوری که آن حضرت مصحف واحدی که مورد اتفاق قرار گرفته بود تأیید کردند.

نسخه های کهن

الف . نسخه بیرمنگام (موجود در دانشگاه بیرمنگام انگلستان) : یکی از قدیمی ترین نسخه های قرآن است که بر پوست آهو و به خط کوفی نوشته شده و شامل سوره های ۱۸ تا ۲۰ قرآن (سوره های: کهف، مریم، طه) است. این قرآن بر اساس آزمایش های رادیو کربن (carbon dating) مربوط به حدود ۶۴۵ م یعنی دوره خلافت عثمان است.

ب . نسخه توبینگن (موجود در دانشگاه توبینگن آلمان) : مربوط به ۲۰ تا ۴۰ سال پس از پیامبر اسلام ، به خط کوفی از آیه ۳۷ اسراء تا ۵۷ یاسین شامل سوره های: اسراء، کهف، مریم، طه، انبیاء، حج، مؤمنون، نور، فرقان، شعراء، نمل، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، سجده، احزاب، سبأ، فاطر، یس) (از حدود ص ۴۶۶ تا ص ۷۴۰ یک سوم قرآن فعلی)

ج . نسخه های صنعا (پیدا شده در بنای قدیمی مسجد جامع صنعا در سال ۱۹۷۰ م) این نسخه ها شامل ۱۲ نسخه قرآن (و بیش از ۴۰۰۰ کتب خطی مربوط به صدر اسلام) مهم ترین و کامل ترین نسخه های قرآن است که دوره خلافت اموی نگاشته شده اند.

سخنی از استاد شهید مطهری در اصالت قرآن :

« در میان کتاب های قدیمی، کتاب دیگری نتوان یافت که قرن ها بر آن گذشته باشد و تا این حد بلا شبهه باقی مانده باشد. مسائلی از این قبیل که فلان سوره مشکوک است ، فلان آیه در فلان نسخه هست و در فلان نسخه نیست، در مورد قرآن اساساً مطرح نیست. قرآن بر نسخه شناسی پیشی گرفته است. جای کوچکترین تردیدی نیست که آورنده همه آیات موجود ، حضرت محمد بن عبدالله (ص) است که آنها را به عنوان معجزه و کلام الهی آورده است. و احدی نمی تواند ادعا کند یا احتمال بدهد که نسخه دیگری از قرآن وجود داشته و دارد.» آشنایی با قرآن، ص ۱۲

۲. معنا و دلالت قرآن

قرآن کریم دارای سطوح مختلف معنایی است. سطحی از معنای قرآن قابل فهم برای همه مردم است. قرآن دارای آیات زیادی با معانی آشکار و واضح است که به تصریح ها و یا نصوصات قرآنی معروف اند. ولی برای دست یافتن به سطح های عمیق تر از معنای قرآن به تفسیر قرآن نیاز داریم. به منظور دست یابی به تفسیر درست قرآن در گام نخست باید به پرسش های بنیادین و پیش فرض های بیرونی قرآن به عنوان مبانی فهم قرآن پرداخت. بدون جدی گرفتن این پرسش های فلسفی و پاسخ های درست به آنها نمی توان به فهم درست از قرآن که راه گشای زندگی باشد دست یافت. پرسش هایی مثل: چیستی زبان قرآن، اینکه آیا زبان قرآن زبان اسطوره و نماد و یا زبان رمزی و تأویلی و یا زبان تألیفی است؟^{۳۷} در مرحله بعد باید پرسش های اعتقادی از جمله عدل الهی، انتخاب و آزادی انسان و ... روشن گردد. در گام دوم نوبت به مباحثی از علوم قرآن می رسد. مشخص شدن آیه های مکی (که در ۱۳ سال اول و در مکه نازل شده اند) و آیه های مدنی (که در ۱۰ سال مدینه) نازل شده اند. همچنین تعیین حقیقت و مجاز، تعیین محکم و متشابه و غیر آن. پس از این دو مرحله نوبت به قواعد تفسیر می رسد تا بر اساس آن قواعد به تفسیر قرآن پرداخت.

قواعد تفسیر :

۱- **شناخت دقیق معانی واژگان قرآنی** شامل: اسم، فعل و حرف در عصر نزول که این امر در در دانش واژه شناسی یا علم لغت صورت می گیرد. به عنوان مثال آیا واژه « اسلام » در آیه « **إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ** » آل عمران، ۱۹ اسم، به معنای دین حضرت محمد ص و یا وصف است به معنی تسلیم حق بودن؟ تفسیر اول به انحصارگرایی دینی و بی مدارایی نسبت به پیروان دیگر ادیان و تفسیر دوم به رواداری و همزیستی با دیگر ادیان می انجامد. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان به معنای دوم معتقد است.^{۳۸}

همچنین واژه « **قَوَّامُونَ** » در آیه « **الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ** بما فضل الله بهضهم على بعضٍ » نساء، ۳۴ آیا به معنای « سرپرست و اختیار دار » یعنی صاحب اجازه و رئیس خانواده است؟ چنانکه در بعضی ترجمه ها و تفسیرها آمده یا به معنای « عهده دار و وظیفه دار امور زنان » است چنانکه در بعضی ترجمه ها آمده است.

۲- **شناخت قواعد زبان عربی**، قواعد صرف، قواعد نحو و آرایه های ادبی که در دانش صرف و نحو و بیان صورت می گیرد. به عنوان مثال در آیه : « **هنگامی که پروردگار ابراهیم او را با آزمایش های سختی آزمود و او به طور کامل از عهده آنها برآمد. خداوند به او فرمود من تو را پیشوای مردم قرار دادم** ^۱ » بقره، ۱۲۴ در این آیه اگر قواعد نحوی رعایت نشود و اعراب ها جابجا و در نتیجه، مفعول (ابراهیم) به جای فاعل (ربّه) گرفته شود معنا به کلی تغییر خواهد کرد.

۳- **توجه به قرینه ها** یعنی اموری که ارتباط با کلام داشته و در فهم معنای آن مؤثر اند. متخصصان علوم قرآن قرینه هایی که در تفسیر قرآن می توان استفاده کرد را به صورت زیر دسته بندی می کنند:

۳۷- نظریه های مختلف در زبان قرآن عبارتند از زبان یک وجهی (اهل حدیث، سلفی ها، اخباری ها)، زبان نمادین، زبان تأویلی (رمزی): باطنی ها، متصوفه، پوزیتیویست، ماتریالیست. ؛ زبان قوم، زبان عرف، زبان تمثیل.

۳۸- ر.ک ، تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۱۸۹، تفسیر آیه ۱۹ سوره آل عمران.

۳۹- آیت الله مکارم در « قرآن کریم و شرح آیات منتخب » حق ریاست را در خانواده را به سه دلیل مختص مرد می داند: الف. ترجیح قدرت تفکر بر نیروی عاطفه. ۲. نیرو و بنیه جسمی بیشتر. ۳. حق امتیازی که در قبال تعهد به پرداخت مهریه و هزینه زندگی زن پیدا می کند.

۴۰- ترجمه مصباح زاده.

۴۱- « **وَإِذَا ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا** »

لفظی مثل : آیات محکم ، احادیث معتبر ، سیاق آیه } قرینه
 غیر لفظی مثل : زمینه ؛ برهان عقلی ؛ حقایق علمی

منظور از آیات محکم (محکمت قرآن) همان تصریح های قرآنی است یعنی آیه هایی که معنای آشکار دارند. همچنین حدیث معتبر عبارت است از حدیثی که درستی استناد آن اثبات شده باشد. و سیاق آیه عبارت است از فضای معنایی آیه که نتیجه هماهنگی عبارت با مجموع واژه های آن آیه است. برهان عقلی به عنوان قرینه در جایی بکار می آید که معنای ظاهری آیه با دلیل قطعی عقلی در تعارض است. مثلاً در آیه: « دست خدا برتر از همه دست ها است »^{۴۲} فتح، ۱۱ معنای دست به عنوان عضوی از بدن در تعارض با دلیل عقلی است از اینرو واژه دست در این آیه به قدرت معنا می شود و اما حقایق علمی در مثل آیه : « خداوند کسی است که آسمان ها را با ستون های نامرئی برافراشت »^{۴۳} رعد، ۲۰ که در معنای آیه به یافته های علمی اعتماد می شود.

در مورد « زمینه » به عنوان قرینه غیر لفظی باید گفت که نظر سنت گرایان (دیدگاه مرسوم) این است که زمینه عبارت است از رویدادی که آیه یا آیاتی از قرآن درباره آن نازل شده است و به شأن نزول و یا سبب نزول شهرت دارد مثل این آیه : « بعضی از مردم در راه رضای خدا از جان خود می گذرند »^{۴۴} بقره، ۲۰۷ در روایاتی از شیعه و اهل سنت نقل شده که در شبی که مشرکان قصد جان پیامبر کردند آن حضرت تصمیم به خروج از مکه و هجرت به مدینه گرفت و به هنگام خفتن حضرت علی در بستر پیامبر قرار گرفته و جان خود را به خطر انداخت و این آیه درباره این رویداد نازل شده از اینرو این رویداد قرینه بر این است که منظور از « بعضی مردم » حضرت علی ع است.

۳. اعجاز و خارق العاده بودن قرآن

مهم ترین ابعاد اعجازی قرآن و به دیگر بیان، وجوه اعجاز قرآن عبارت است از: اعجاز ادبی (لفظی) شامل فصاحت و بلاغت، اعجاز در معنا و اعجاز طریقی. در مورد اعجاز قرآن توجه به دو نکته مهم ضروری می نماید:
 الف. از نگاه قرآن تنها معجزه پیامبر اسلام قرآن است به طوری که می فرماید: « اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی باشند » اسراء ، ۸۸
 ب. خارق العاده بودن قرآن وقتی برای همگان روشن و آشکار می گردد که نه فقط یک بُعد بلکه ابعاد مختلف اعجاز قرآن در نظر گرفته شود. قرآن به رغم زیبایی ادبی اعجاب انگیز، ژرفای معنایی خارق العاده دارد در حالی که آورنده قرآن سواد خواندن و نوشتن نداشته است (اعجاز طریقی).

_____ منابع فصل قرآن (برای مطالعه)

- ۱- تاریخ قرآن، آیت الله محمد هادی معرفت، انتشارات سمت. ۲- علوم قرآنی، آیت الله محمد هادی معرفت، انتشارات سمت. ۳- روش شناسی تفسیر قرآن، علی اکبر بابایی، انتشارات سمت. ۴- اعجاز قرآن، سیدرضا مؤدب، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.

بخش سوم . ضرورت وحی و پیامبری

۴۲- « يَدَاللّٰهِ فَوْقَ اَيْدِيهِمْ »

۴۳- « اَللّٰهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضَ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوٰنَهَا »

۴۴- « وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي نَفْسَهُ اِنتِغَاءً مَّرَضَاتِ اللّٰهِ »

مهم ترین ویژگی ادیان ابراهیمی وحی محور بودن آن است. در این ادیان باور به این است که معلّم بودن خدا نسبت به انسان مثل خالق بودن او ضرورت عالم هستی است که بدون آن، تفسیر درستی از هستی نخواهیم داشت. پیامبر دریافت کننده وحی الهی و ابلاغ کننده آن به دیگر انسان ها است. پیامبر در پرتو سلوک معنوی، از عالم محسوس به عالم ملکوت سیر کرده و به دنبال آن به مقام کشف و شهود حقیقت نائل می گردد. حقیقتی که پیامبر در عالم معنا شهود می کند در اصطلاح قرآن، لوح محفوظ یا ام الکتاب نام دارد که همان حقیقت کلی قرآن است. پس از شهود حقیقت کلی و ملکوتی قرآن که به آن نزول دفعی قرآن گفته می شود، پیامبر به تدریج و در زمان های مختلف آیات الهی را دریافت و آن را ابلاغ می کند. این همان چیزی است که به آن وحی می گویند.

حال، در اینکه چگونه ممکن است انسانی اتصال روحانی و به اصطلاح، اتصال حیانی با عالم معنا (عالم ملکوت) داشته باشد تحلیل های کلامی و فلسفی گوناگونی وجود دارد که به یکی از مهم ترین آن تحت عنوان تحلیل فلسفی وحی اشاره می شود.

تحلیل فلسفی وحی^{۴۵}. ۱. انسان دو ساحت وجودی دارد: بدن (جسم) و نفس (روح) ۲. مهم ترین کارکرد نفس در وجود آدمی، ادراک است ۳. ادراک سه گونه است حسی (مفهومی)، عقلی (مفهومی) و شهودی (فرامفهومی) ۴. در ادراک حسی و عقلی (ادراک مفهومی) بدن ابزار ادراک است ولی در ادراک شهودی (ادراک فرامفهومی) بدن مانع و حجاب ادراک است. در نتیجه انسان به هر میزان از تعلقات جسمانی آزادتر باشد از ادراک شهودی بیشتری برخوردار خواهد بود ۵. تمرین های معنوی به انسان کمک می کند که از تعلقات جسمانی رها شده و از ادراک های شهودی بیشتر برخوردار گردد. ۶. وحی، مرحله عالی ادراک شهودی است. نتیجه: انسان به اندازه سلوک و رشد معنوی از معرفت شهودی که عالی ترین مرحله آن وحی است برخوردار می شود.

اثبات ضرورت وحی: ضرورت وحی از طریق مقدمات زیر قابل تبیین است:

۱. ساحت معنوی جهان، حقیقتی غیر قابل انکار است ۲. هویت انسان و کمال وجودی او در گرو ارتباط با ساحت معنوی است. ۳. آگاهی های مفهومی عقلی انسان اشراف کامل بر ساحت معنوی جهان ندارد ۴. انسان برای بهره مندی کامل از ساحت معنوی، نیازمند ادراک کامل از نوع آگاهی شهودی است ۵. آگاهی حیانی مرتبه برتر آگاهی شهودی است. نتیجه: انسان در حیات معنوی خود نیاز به آموزه های وحیانی دارد.

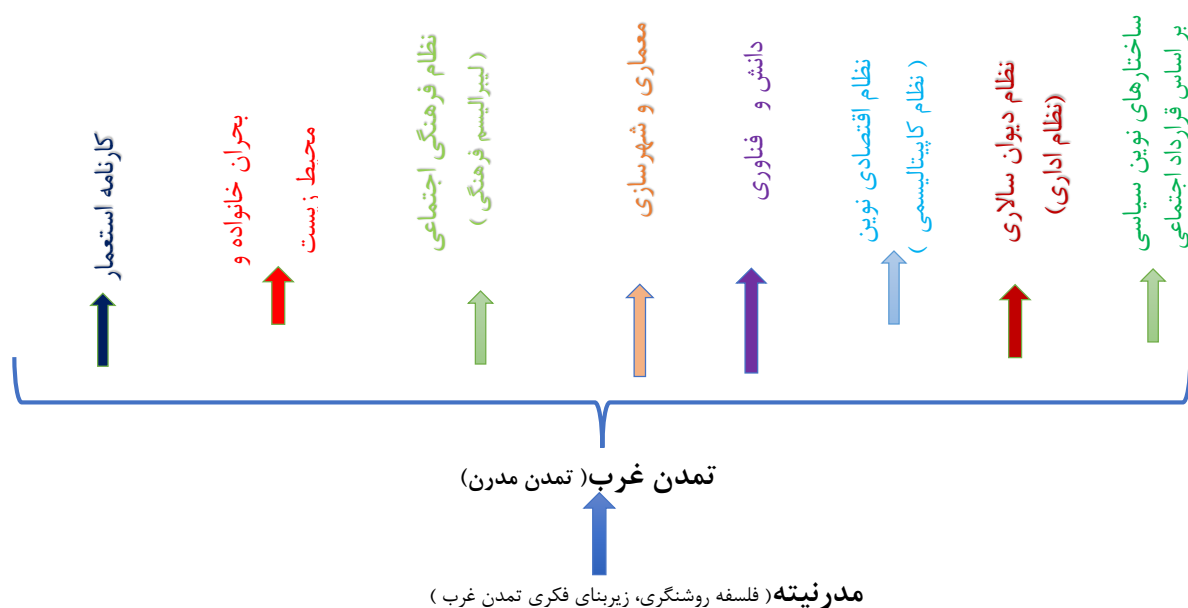
بخش چهارم. اسلام و دنیای مدرن (سنت و مدرنیته)

تمدن غرب: تمدن غرب مثل هر تمدن دیگر یک ساماندهی اجتماعی بر اساس مؤلفه هایی چون: ساختارهای نوین سیاسی اداری بر اساس قرارداد اجتماعی (نظام دموکراسی)؛ نظام دیوانی (نظام اداری)؛ نظام اقتصادی نوین؛ دانش و فناوری؛ معماری و شهرسازی؛ نظام آزاد فرهنگی اجتماعی (لیبرالیسم فرهنگی) و نیز پیامدهای ناگواری همچون بحران خانواده و محیط زیست و استعمار. این مؤلفه ها بخش سخت افزاری تمدن غرب محسوب می شود و ریشه در اندیشه های فلسفی پس از رنسانس دارد که به مدرنیته و یا مدرنیسم و یا فلسفه روشنگری مشهور است. در حقیقت تمدن مغرب زمین نتیجه و ثمره چنین فلسفه ای است.

۴۵- توضیحات این قسمت بر اساس متن درس اندیشه یک، بخش عرفان، عرفان از منظر فلسفه صدرایی، ص ۱۷ است از اینرو به طور خلاصه بیان شده است.

۴۶- در این بحث، منظور از سنت عبارت است از مجموعه داشته های فرهنگی یک جامعه (تراث فرهنگی) شامل دین، آداب و رسوم و آراء و عقاید.

فلسفه روشنگری که بخش نرم افزاری تمدن غرب محسوب می شود در اصطلاح به ساختار فکری- فلسفی گفته می شود که پس از رنسانس و از قرن ۱۸ میلادی در مغرب زمین رواج پیدا کرد و زمینه فکری پیدایش تمدن جدید غرب گردید. عناصر مهم این ساختار فکری چنانکه در بخش اول درس اندیشه یک آمد عبارتند از: ۱. **اومانیزم** (انسان گرایی) که خود زاینده حقوق طبیعی و در نتیجه آزادی های فردی و اجتماعی است. ۲. **سکولاریسم** (عرفی گرایی) در حوزه های سیاست، دانش و اخلاق. ۳. **عقلانیت خودبنیاد نسبی گرا** که ملاک سنجش و درستی و نادرستی را نه دین بلکه عقل نسبی آدمی می داند. ۴. **اصالت تجربه**، اینکه تجربه و مواجهه، داور نهایی برای قضاوت است. تمدن پایه نهاده شده بر این فلسفه دارای جنبه هایی روشن و مترقی و البته لایه هایی تاریک به شرح زیر است:



نظام اجتماعی اسلام: بر خلاف مسیحیت، اسلام (شامل آموزه های قرآن و حدیث) بخش های مختلف اعتقادی، اخلاقی، عبادی و اجتماعی انسان را دربرمیگیرد. بخش اجتماعی آموزه های اسلامی یکسری احکام و مقررات اجتماعی است که مسلمانان را موظف می کند زندگی اجتماعی خود را بر اساس آن احکام تنظیم کنند. نمونه هایی از این احکام عبارتند از:

- ۱- لزوم برقراری عدالت اجتماعی در آیه « همانا ما پیامبران خود را با دلایل محکم فرستادیم و با آنان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم عدالت را برپا کنند» حدید، ۲۵
- ۲- لزوم اطاعت از حاکم دینی در آیه « ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا و رسول خدا و صاحبان امر در میان خود اطاعت کنید» نساء، ۵۹ عبارت « اولی الامر » یا به معنای « فقیه » است و یا به معنای « کارگزار مسلمان » که ظاهر هر دو معنا در چالش با حق انتخاب فردی است.
- ۳- تفاوت زن و مرد در سهم ارث در آیه « ۱۱ سوره نساء » و همچنین تفاوت زن و مرد در دیه و شهادت دادن.
- ۵- حکم حرمت قراردادهای ربوی در آیه های « ۲۷۵ تا ۲۸۱ سوره بقره»
- ۶- احکام حجاب و پوشش (حجاب شرعی) در آیه « ۵۹ احزاب »

۷- مجازات های خاص در احکام جزایی : حکم سرقت در آیه « ۳۸ مائده » و حکم قصاص در آیه « ۴۵ مائده »

۸- تفاوت مسلمان و غیرمسلمانان در قصاص ، دیه ، ازدواج و

۱۲- ناپاک بودن کافر (غیر اهل کتاب) در آیه « ۲۸ توبه » و قتال با مشرکان در آیه « ۵ و ۲۹ توبه »

چالش دین و دنیای مدرن در جوامع مسلمان: با گسترش موج لیبرالیسم و آزادی خواهی در جهان غرب و تأثیر آن بر جهان اسلام پرسش های جدیدی اندیشه دین داران را به خود معطوف ساخته است. پرسش هایی چون: حقوق بشر و نسبت آن با نظام حقوقی اسلام؟ برابری زن و مرد؟ نسبت دین و آزادی؟ (آیا دین مخالف آزادی است یا مدافع آزادی است؟) مردم سالاری و نسبت آن با حکومت دینی؟ رویکرد دین به اقتصاد نوین و نظام بانکداری مدرن؟ نظر دین درباره هنر؟ و به طور کلی پاسخ دین به اقتضائات جدید زندگی و اینکه آیا اسلام ۱۴۰۰ سال پیش می تواند پاسخگوی نیازهای بشر در عصر حاضر باشد؟ این پرسش ها تحت عنوان « سازگاری دین با دنیای مدرن » حوزه های مختلف علوم اسلامی را تحت تأثیر قرار داده است و در نهایت، چالش دین و مدرنیته (مدرنیسم) را در پی داشت.

علت چالش دین و مدرنیته در میان مسلمانان تعلق خاطر آنان به دین و پایبندی به احکام فقهی از یک سو و همدلی آنان با زیست _ جهان مدرن از دیگر سو است. این پرسش که آیا می توان میان دین و زندگی اجتماعی مدرن همسازی و همگرایی ایجاد کرد؟ بدین معنا که هم دین داشته باشیم و هم زندگی مدرن؟ زندگی مدرن یعنی زندگی بر اساس عقلانیت در سیاست، مدیریت، اقتصاد، آموزش و فرهنگ. همچنین زندگی بر اساس آزادی و نیز بر اساس پیشرفت و توسعه. و در صورتی که جواب مثبت است پرسش بعدی این است که با چه روش و چه ساز و کاری می توان هم متدین بود و هم برخوردار از زندگی مدرن؟

واکنش های اندیشمندان جوامع اسلامی در برابر چالش سنت دینی و مدرنیته :

واکنش های گسترده و نیز رویکردهای فکری ناهمگون جهان اسلام در جواب به این پرسش ها حاکی از اهمیت موضوع از یک سو و پیچیدگی آن از دیگر سو است. به رغم اینکه پاره ای از این رویکردهای فکری به گفتمان جاری و جریان اجتماعی تبدیل شد و طرفدارانی پیدا کرد؛ ولی هیچ یک از آنها نتوانستند به صورت گفتمان غالب در جهان اسلام درآیند آن گونه که فلسفه روشنگری به گفتمان غالب در غرب معاصر تبدیل گشت. توجه به این نکته لازم است که توسعه همه جانبه و پرشتاب در کشورهای اسلامی زمانی آغاز خواهد شد که یکی از این رویکردها به اجماع حداکثری برسد یعنی یک دیدگاه به اعتقاد عمومی و فرهنگ رایج تبدیل گردد چنانکه تفکر مدرنیته به فرهنگ عمومی در مغرب زمین تبدیل شده است.

واکنش ها و دیدگاه های فکری جهان اسلام در برابر پرسش های جدید عبارتند از:

۱- **لزوم تغییر ساختارهای سیاسی سنتی و استبدادی.** سیدجمال الدین اسدآبادی عامل عقب ماندگی کشورهای مسلمان را نظام های استبدادی حاکم بر آن می دانست. او معتقد بود با حذف نظام های استبدادی و برخورداری مردم از آزادی جامعه اسلامی می تواند هم از پیشرفت و ترقی بهره مند گردد و هم به احکام دینی پایبند باشد. گفتنی است که میرزا رضا کرمانی از مریدان سیدجمال الدین اسدآبادی تحت تأثیر اندیشه های او در سال ۱۲۷۵ ه ش اقدام به قتل ناصرالدین شاه کرد.

۲- **لزوم تغییر ساختارهای آموزشی سنتی.** میرزا تقی خان امیرکبیر بر این باور بود که ناآگاهی و جهل و عقب افتادن از غافله علم، عامل انحطاط جامعه است. سخن زیر منسوب است به امیر کبیر:

« ابتدا بر این باور بودم که مملکت، وزیر دانا می خواهد، بعد فکر کردم شاه دانا می خواهد، در نهایت فهیمدم مملکت مردم دانا می خواهد»

در این راستا او سعی کرد با تأسیس دارالفنون و رواج نظام آموزش مدرن زمینه ارتقاء آگاهی و عقلانیت و در نهایت پیشرفت و توسعه را فراهم سازد.

۳- لزوم حذف دین (گفتمان سنت ستیز) گروهی مثل میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۸۱۲-۱۸۷۸م) و جواهر لعل نهرو (۱۸۸۹-۱۹۶۴م) اولین نخست وزیر هند پس از استقلال، به طرد سنت دینی پرداخته و بر ناتوانی دین در سازگاری با دنیای مدرن تأکید کردند. گفتنی است که این دو اندیشمند در ابتدا مسلمان بودند ولی در نهایت، خدا ناباور و شکاک شدند. شهید مطهری در کتاب «نظام حقوق زن در اسلام»، ص ۱۰۴ می فرماید: «بسیاری از روشنفکران جهان فقط از آن جهت مذهب را ترک کرده اند که فکر می کرده اند میان مذهب و تجدد زندگی ناسازگاری است. فکر می کرده اند لازمه دینداری، توقف و سکون است وزیر فقید هند یکی از اینها است.»

نقد گفتمان سنت ستیز

درست است می تواند دچار بدفهمی و تفسیرهای نادرست شود که در این صورت باعث پیشرفت و توسعه نخواهد شد بلکه رکود و عقب ماندگی جامعه را در پی خواهد داشت. در این صورت است که نقد دین در جهت اصلاح آن امری پسندیده و لازم خواهد بود. ولی باید توجه داشت در جامعه ای که علقه های معنوی و دینی عمیق وجود دارد، ستیز با اصل دین نه ممکن و نه مصلحت است. چنانکه در غرب پس از رنسانس دین ستیزی میسر نشد بلکه دوباره دین و معنویت گرایی به شکلی رواج پیدا کرد.

دین ستیزی به معنای ستیز با اصل دین، به مصلحت جامعه دینی نیست زیرا باعث واکنش های تند از طرف توده های مردم متدین می گردد در نتیجه جلو هر حرکت اصلاح دینی گرفته می شود افزون بر اینکه گاهی دین می تواند منشأ تأثیرات مثبت مثل جنبش های اجتماعی پیشرو، دفاع از کشور و غیر آن باشد. ستیز با دین و حذف دین این ظرفیت های اجتماعی را از بین خواهد برد.

تجربه تاریخی نشان داده است که دین مانع پیشرفت نیست بلکه برداشت های نادرست (اجتهادهای نادرست) از دین و نیز عملکردهای نادرست، سد راه پیشرفت و توسعه است. دوره پانصد ساله تمدن اسلامی گواه بر این است که جامعه می تواند هم دیندار و هم پیشرفته باشد. اجتهاد روشمند و تفسیرهای درست از دین می تواند راه گشای جامعه به سوی تعالی و پیشرفت باشد.

۴- گفتمان تجدد ستیز اسلامی. سلفی های^۷ اهل سنت و پیروان مکتب تفکیک و اخباری ها در میان شیعیان سازگاری میان دین و زندگی مدرن را نمی پذیرند زیرا مناسبات جدید زندگی مدرن مثل دموکراسی، آزادی، برابری و نیز نظام های جدید حکومتی و اقتصاد مدرن که بر اساس فلسفه مدرن شکل گرفته اند را مظاهر جاهلیت می دانند. سید ابراهیم حسین (۱۹۶۶-۱۹۰۶ م) معروف به سید قطب نظریه پرداز اسلام گرای مصری بنیانگذار این گفتمان در

۴۷- سلفی گری، بدین معنا که اسلام را باید آنگونه فهیمید و آنگونه اجرا کرد که صحابه پیامبر و تابعین می فهیمیدند و اجرا می کردند. گروه های سلفی مثل طالبان و داعش چنین طرز تفکری دارند.

قرون اخیر است. او طرفدار نظریه اسلام سیاسی (حکومت اسلامی) و جهانی شدن حاکمیت اسلام بود. از نظر او تمامی حکومت های غیر اسلامی در جوامع اروپایی و نیز حکومت های حاکم در کشورهای اسلامی حکومت های جاهلی بوده و باید از طریق مبارزه و جهاد از میان برداشته شوند.

۵- گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی. این دیدگاه مخالف شدید جنبه نرم افزاری تمدن غرب یعنی فلسفه غرب و فلسفه روشنگری و علوم انسانی برگرفته از این فلسفه است. هرچند جنبه های سخت افزاری تمدن غرب مثل دانش و فناوری، دموکراسی، نظام دیوانی، نظام اقتصادی، را الزامات اجتناب ناپذیر زندگی در عصر حاضر می داند. در این دیدگاه اعتقاد بر آن است که اقتضات جدید زندگی مثل دموکراسی (مردم سالاری)، نظام های جدید حکومتی، اقتصاد و آزادی های اجتماعی را می توان نه بر اساس فلسفه روشنگری و علوم انسانی غربی بلکه بر مبنای مبانی اعتقادی مرسوم و سنتی اسلام تحت عنوان علوم انسانی اسلامی بازسازی کرده تا به مردم سالاری دینی، نظام حکومت اسلامی، اقتصاد اسلامی و فرهنگ اجتماعی اسلامی دست پیدا کرد در نتیجه هم دیندار بود و هم زندگی مدرن داشت.

در این دیدگاه، احکام و قوانین شریعت و از جمله احکام و مقررات اجتماعی اسلام که در قرآن و احادیث آمده است قسمت اصلی دین است^{۴۸} و چون بهروزی آخرت و دنیا تنها در پرتو اجرای این احکام میسر می گردد و تحقق شریعت و عمل به این احکام، جز با تشکیل حکومت و به دست گرفتن قدرت سیاسی انجام نمی شود از اینرو تشکیل حکومت از ارکان اصلی دین و دینداری محسوب می شود. از نظر آنان به رغم اینکه قوانین شریعت ۱۴۰۰ سال پیش عرضه شده است ولی همیشگی بوده و می توان با روش اجتهاد (اجتهاد سنتی) آن را احیاء کرد به طوری که قابل تطبیق با شرایط و نیازهای جدید زندگی در همه زمان ها باشد.

بر اساس این دیدگاه حکومت باید دینی باشد یعنی بر اساس احکام شریعت تنظیم گردد به دیگر بیان حکومت باید ایدئولوژیک باشد. **ایدئولوژی** یعنی مجموعه اصول راهنمای زندگی اجتماعی بر مبنای عقایدی که یک بار و برای همیشه اثبات و مورد قبول قرار گرفته اند و ایدئولوژی اسلامی یعنی مجموعه اصول راهنمای زندگی اجتماعی برگرفته از عقاید و احکام اسلامی (فقه اسلامی).

نظام ایدئولوژیک نظامی است که قوانین و مقررات و نیز مناسبات آن بر اساس اعتقادات ثابت شده و همیشگی تنظیم می شود. انعطاف پذیری حکومت ایدئولوژیک در قلمرو و محدوده ایدئولوژی خود صورت می گیرد مثل انعطاف پذیری در حوزه حجاب و هنردر حکومت اسلامی در حالی که نظام غیر ایدئولوژیک قوانین و مقررات و نیز مناسبات خود را بر مبنای معیار عقل و عرف زمانه تنظیم می کند. نه اعتقادات ثابتی که از پیش مورد قبول قرار گرفته اند. امام خمینی در ایران و اخوان المسلمین در مصر و ابوالاعلی مودودی در پاکستان از مدافعان این دیدگاه به شمار می روند.

اصطلاح « بنیادگرایی اسلامی » یا « اسلام بنیادگرا » به دو دیدگاه شماره ۴ و ۵ گفته می شود. به طور کلی هر تفسیری از اسلام که این سه ویژگی را داشته باشد بنیادگرایی اسلامی یا اسلام بنیادگرا خوانده می شود: الف: عقل انسان توان حل مسائل زندگی دنیوی را ندارد بلکه انسان در اداره امور زندگی نیازمند وحی (دین) است. ب: احکام فقهی دین احکامی همیشگی و همه جایی هستند. ج: سیاست و حکومت جزء دین است و اسلام بدون سیاست و حکومت، اسلامی نیست.

۴۸- اصطلاح « اسلام حداکثری » که به این دیدگاه اطلاق می شود بدین معنا است که از نظر آنها در کنار آموزه های ایمانی و اخلاقی، احکام فقهی بخش جدا ناپذیر دین هستند.

۶- **گفتمان اسلام تجدد گرا**. این گفتمان با پذیرش فلسفه روشنگری و علوم انسانی برگرفته از آن به فهم و تفسیری از اسلام رسید که رهاورد و نتیجه آن با دستاوردهای فکری مدرنیته در حوزه های فکری و سیاسی همخوانی کامل دارد. در این تفسیر، گوهر و اصل دین، ایمان به خدا و عالم غیب و نیز ارزش های اخلاقی و انسانی مثل عدالت، عفت، امنیت، تعاون، ایثار و نوع دوستی است. این امور که همان جنبه های الهی و ملکوتی انسان است، اهداف و آرمان های اصلی دین بوده و همیشگی و ثابت است (اسلام حداقلی).^{۴۹} احکام شریعت که مربوط به جنبه زمینی انسان می شود مثل احکام مالی، جزایی، احکام پوشش و حجاب و غیر آن جزء اصلی دین نیست بلکه وسیله و سازوکارهایی است برای تحقق جنبه الهی و ملکوتی انسان یعنی آرمان های اصلی دین. این قوانین و مقررات که پیوسته دین محسوب می شوند نه اصل و گوهر آن، بر اساس اقتضائات تاریخی و فرهنگی یک جامعه تنظیم می شوند بنابر این قابل تعمیم به دوره ها و زمان های و فرهنگ های دیگر نیستند. بلکه در دوره ها و فرهنگ های دیگر باید قوانین و مقرراتی که متناسب با آن دوره و آن فرهنگ و نیز در راستای آرمان های ایمانی و اخلاقی دین است مورد توجه قرار گیرد.

بر اساس این رویکرد، اجتهاد (اجتهاد مدرن) سازوکار همسازی دین با دنیای امروز است. بدین صورت که کارشناسان دینی باید در عصر حاضر و با توجه به اقتضائات دنیای مدرن یعنی بر اساس عرف زمانه بهترین روش و مؤثرترین قوانین و مقررات را برای تحقق آرمان های ایمانی و اخلاقی دین پیدا کنند هرچند متفاوت با احکام و مقررات قرآن باشد. همانطور که پیامبرص متناسب با زمان و فرهنگ جامعه خود بهترین قوانین که همان احکام و مقررات قرآن است را اجرا کرده بود. بدین ترتیب جامعه دینی هم می تواند دیندار باشد و هم از زندگی مدرن برخوردار باشند.

علامه فضل الرحمن، نصر حامد ابوزید و دکتر عبدالکریم سروش از طرفداران این دیدگاه محسوب می شوند.

مواضع همگرا و مواضع واگرای گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی و گفتمان اسلام تجدد گرا:

مواضع همگرا: (۱) پرهیز از سنت ستیزی و تجدد ستیزی مطلق. (۲) نقد لیبرالیسم فرهنگی غرب (نه رد آن) مواضع واگرا: (۱) پذیرش فلسفه روشنگری (مدرنیته) و علوم انسانی بر گرفته از آن توسط گفتمان اسلام تجدد گرا و مخالفت با آن توسط گفتمان اسلام سیاسی فقهاتی. (۲) خوانش متفاوت از دین، اسلام حداکثری اسلام سیاسی فقهاتی و اسلام حداقلی توسط گفتمان اسلام تجدد گرا

پایان

۴۹- اصطلاح «اسلام حداقلی» که به این دیدگاه اطلاق می شود بدین معنا است که از نظر آنها عناصر اصلی دین، همان امور ایمانی و اخلاقی است نه احکام فقهی.